

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

یکشنبه ۴ خرداد ۵۹ شماره ۵۵ تک شماره ۱۰ ریال

گزارش «رنجبر» از سخنان وزیر امور خارجه هنگام بازگشت از پاکستان

نقش قاطع ایران در پیروزی کنفرانس کشورهای اسلامی

یازدهمین اجلاس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی در اسلام آباد بکار خود خاتمه داد و وزیر امور خارجه ایران به همراه دیگر اعضاء هیئت نمایندگی ایران روز پنجشنبه اول خرداد ماه ساعت ۴/۵ بعد از ظهر به تهران بازگشتند. وزیر امور خارجه پس از ورود به

تهران در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی حاضر شد و به سئوالات آنان پاسخ گفت. بقیه در صفحه ۲

روز رهایی

آفریقا

در صفحه ۶

کائوتسکیسم یا دفاع از

امپریالیسم

جوهر تفکر

رهبری غاصب

سازمان چریکها

در صفحه ۴

نبرد خونین مردم کره، شورش سیاهان آمریکا

پیروزی کنفرانس اسلامی، برگزاری روز وحدت آفریقا:

جهان سوم می رزمد کارتر، برزنف می لرزد

توامی ابعاد گوناگون مبارزاتی خودبه جنگ با دو ابر قدرت جهان خوار آمریکا

هفته گذشته هفته های آینده، به جهان سوم تعلق دارند. جهان سومی که در

شوروی، برخاسته است. در آسیای شرقی مردم قسمت جنوبی کره برای رهایی و آزادی خود از جنگسال امپریالیسم آمریکا و دست نشانگان آن در ستول و سایر شهرها، یکپارچه با خاسته اند. پیرو جوان، مردوزن، کارگرو دهقان و دانشجو همه در نبردی خونین علیه سلطه آمریکا و رژیم فاشیستی حاکم، در مصاف با ارتش تابندگان مسلح ستول،

در راه آزادی کره جنوبی و وحدت دو بخش سرزمین خود یعنی شمال و جنوب جانفشانی کردند. آنها به این ارتش نیرومندی که توسط امپریالیسم آمریکا به شدت پشتیبانی میشود یورش برده و خود را برای پیروزی در نبرد مسلح ساختند. در درون خود آمریکا، سیاهان محروم و ستمدیده، نقشه در صفحه ۲

قیام مسلحانه

خلق کره پیروز است

"شین" را برکنار و پارک چونگ هون را بر سر کار میاورد. نخست وزیر موقت جدید مردم را به انتخابات آزاد را در اواخر امسال میدهد. از طرف دیگر ژنرال چون همچنان بر سر کار است و جنبش های توده ای را تهدید به سرکوب و قتل عام کرده و در بسیاری از موارد دستور آتش گشودن بر روی مردم را صادر کرده است.

قیام بحق توده های خلق و منجمله دا نشجویان کره جنوبی در هفته گذشته اوجی نویسن یا فت و با صلابت و قدرت تمام قا در شد پایه های حکومت سر سرده و فاشیستی کره جنوبی را بلرزه در آورد و کابینه این کشور را به استعفا بکشاند. در ۱۶ شهر کره جنوبی توده های مردم قیام نمودند و علیه خفقان حاکم در کشور و بر علیه پایگاه های نظامی امپریالیسم آمریکا مستقر در میهنشان بخیا با آنها ریختند و در بسیاری از شهرها جنگ مسلحانه با ارتش کره جنوبی دست زدند. شهرکوا جودریک نبرد مسلحانه بدست مردم افتاد و ارتش ناگزیر بخارج شهر عقب نشینی نمود.

مردم در طول تظاهرات خیابانی خود خواستار آزادی کیم دسه جونگ از رهبران مخالف دولت، لغو حکومت نظامی و برچیده شدن پایگاه های آمریکا در کره جنوبی و اخراج بیش از ۵۰۰۰۰ سرباز آمریکایی از خاک میهنشان شدند. هیئت حاکمه کره جنوبی در مقابل قیام عظیم مردم از سیاست دوگانهای پیروی میکند. در مقابل یکی از خواستهای مردم که استعفا

امپریالیسم آمریکا که از شکستهای بی دربی خود در سالهای گذشته درسی نگرفته است، پشتیبانی مجدد خود را از دولت سر سرده اش اعلام کرده و گفته است که تا آخرین لحظه از پشتیبانی دولت کره جنوبی دست بر نخواهد داشت. همچنین امپریالیسم آمریکا به بخشی از سربازان خود در کره جنوبی دستور داده است که به کمک ارتش پشتا بندود و هوا پیمای آواکس را نیز به این منطقه گسیل داشته است. جمهوری دمکراتیک خلق کره طی بیانیه ای در پشتیبانی از مبارزات خلق کره جنوبی صادر کرده است و از سربازان ارتش کره جنوبی خواسته است که دستها را از آنها بردارد.

انقلابی نمائی بیماری کودکی در انقلاب اسلامی

انقلاب، حامی مرضی است که هر انقلابی و هر جنبشی را در مرحله ای از رشد خود و بخصوص در دوران کودکی و ناپختگی گرفتار میکند. جنبش نوپا و انقلاب جوانی که هنوز بفرنجی های مناسبات درونی انقلاب را درک نکرده و

دسوارى هاى ناشى از ان را لمس ننموده است، به سادگى به دام انقلابى نمايى درميانستند، گرايى كه ميگويى با پرش از روى واقعيات خشن جارى، تضادها را در وهم و در خيال "حل" كند و مقرى براى بن بست خود بيايد.

اين بيمارى كه ناقل آن بخش هاى از خرده بورژوازي پر شور و شراست، انقلاب اسلامى ايران را هم طبيعتا در امان نگذاشته است. امروز انقلابى نمايى در كشورما، در سياست داخلى و خارجى بيداد ميكند:

انقلابى نمايى در مبارزه عليه امپرياليسم آمريكا به كج راه ميروى و مبارزه عليه ابرقدرت روس را به فراموشى سپرده و شعار نه شرقى نه غربى را مخدوش و يا محو ميسازد.

انقلابى نمايى در مبارزه عليه غرب چنان افراط ميكند كه مرز ميان آمريكا و اروپا را برهم ميزند و اروپا را به دامان آمريكا هل ميدهد.

انقلابى نمايى در برخورد به رژيمهاى جهان سوم چنان افراط ميكند كه اكثر آنها را با برچسب "آمريكايى" و "ارتجاعى" از خود ميراند و باعث افراد كامل ما در صحنه بين المللى بخصوص در جهان سوم ميگردد.

انقلابى نمايى در مساله پشتيبانى از جنبش هاى آزاديبخش و اسلامى جهان چنان افراط ميكند كه كار را به مداخله در امور ديگر كشورها ميكشاند.

انقلابى نمايى در مبارزه با استثمار تا حد نفي فوري سرمايه داري پيش رفته، بورژوازي متوسط وطنى را كه در اين مرحله از انقلاب جزء نيروهاى ضد امپرياليسم قرار دارد، از صفوف اتحاد بزرگ ملي حذف ميكند و اين جبهه را تضعيف مينمايد.

انقلابى نمايى در برخورد به ارتش بجاي پاكسازى شعار انحلال را ميدهد و هنگاميكه در اين امر شكست ميخورد، در پاكسازى چنان افراط ميكند و تمايز نمى گذارد كه ترو خشك راياهم مى سوزاند و در نتيجه باس و بدبينى و بي اعتمادى را نسبت به جمهورى اسلامى در نيروهاى مسلح دامن ميزند.

انقلابى نمايى در برخورد به مساله رابطه صنعت و كشاورزي و اهميت كشاورزي، افراط را به نجانا ميرساند كه صريحا شعار برچيدن صنايع بزرگ را ميدهد و عملا براهى ميروى كه كشاورزي ما را در وابستگى به صنايع غرب نگاه ميدارد و يا به شرق وابسته ميكند.

انقلابى نمايى در برخورد به كشاورزي، مساوات طلبى را به آنجا ميرساند كه به تكه تكه كردن اراضى و در نتيجه ركود و چه بسا نابودى كشاورزي كشانده ميشود.

انقلابى نمايى در برخورد به لزوم تحول نظام آموزشى و انقلاب فرهنگى طرح تعطيل دانشگاهها را ارائه ميدهد.

انقلابى نمايى در مساله كردستان نيز به افراط مى غلتد و تنها راه حل نظامى را مصرانه توجيه ميكند.

انقلابى نمايى ...

هنوز ميتوان موارد متعدده ديگرى براى سياهه مشخصات انقلابى نمايى يا انقلابيگرى كاذب افزود. اما بايد دانست كه انقلابى نمايى در شرايط كنونى جامعه ما، يكي از عوامل مهم اخلال در سازماندهى توليد و در همه امور مربوط به سياست داخلى و خارجى است. آيا پديده معروف تعدد مراكز قدرت نيز ارمغان انقلابى نمايى براى انقلاب ما نيست؟ زيرا انقلابى نمايى به نام "حاكميت ملت"، هرگونه نظم و دولت را رد ميكند و كيش هرج و مرج اجتماعى را رواج داده، در برابر خود جوشى توده ها سرتعظيم فرودميآورد.

مبارزه با انقلابى نمايى شرط ضرور هرگونه پيشرفت در انجام وظايف كنونى و مرحلماى انقلاب است.

پنجمين قسمت بررسى نظرات
حجت الاسلام خوئينى ها
در صفحه ۴

پرسشهاى پرايى

نسبت به تجاوزات مكرر هليكوپترهاى روسى - افغانى بى تفاوتى نشان مى دهند

دردومين تجاوزهائى هليكوپترهاى افغانى روسى به خاک ايران، در اثر شليك راکت يك ايرانى كشته و تعداد زيادى از خانه هاى روستائى خسارت ديده اند. هليكوپترهاى افغانى روسى در روز متوالى (سه شنبه ۳۰ و چهارشنبه ۳۱ ارديبهشت) به خاک ايران تجاوز نموده و موجب كشته شدن ۲ تن از هموطنان ما و ايجاد خسارت فراوان به روستائى نايى ايرانى شده اند.

جمهورى در اين مورد حتمى موضعى ممالحه جويانه اتخاذ کرده و كوشيده اند تا از ابعاد سياسى قضيه كاسته و آنرا كم اهميت جلوه دهند.

براستى چرا مقامات مملكتى نسبت به تجاوزات مكرر هليكوپترهاى روسى - افغانى به خاک ميهن ما بى تفاوت اند؟ چرا عليه اين تجاوزات عكس العمل اعتراضى جدى به عمل نمى آورند؟ چرا مردم ايران را عليه آنها هوشيارنمى سازند؟ "تحقيقات" آنها تا كى بطول خواهد

انجاميد؟ يا آنها از نيات حقيقى دارو دسته دست نشانده ببرك كارمل و اربابان روسى آن عليه ميهن ما بى اطلاعتند؟

يك نامه
به خواسته هاى مردم توجه كنيد

"با نزده ماه از انقلاب اسلامى ايران ميگذرد. دهقانان زجر كشيده ايرانى هنوز كه هنوز است از دست فئودالها در رنج و غذا بنده. فئودالهاى زالوصفت با توسل به همه شيوه ها (از بول دادن در دهقانان - زدودن بياسترى - از مسئولين شهرى و ...) دهقانان بى گناه و زحمتكش جا مع ما را به روزيابه نشانده اند. از فارس گرفته تا سيستان و بلوچستان، از خوزستان تا خراسان همه جا فئودالها دهقانان غيور ما را به خاک

وخون ميكشند. من نميدانم مقامات مسئول اين مطالب را ميدانند؟ اگر نميدانند كافي است فقط سرى به روستا هاى ايران بزنند تا بداندند يك من ما ست چقدر كره دارم. و بداندند دهقانان ما چه ميگويند و چه ميخواهند. مسئولين دولتى چرا در برابر فئودالها اينهمه کوتاه ميايند.

در تمام كشورها بعد از انقلاب اولين كاري كه انجام ميدهند مسئله ارضى را حل ميكند. آخراين فئودالها تا به امروز چه گلى به سينه اين مملكت زده اند، كه اينطور آزادانه بقيه در صفحه ۲

مگر ايران مورد تهديد و تجاوز هردوا بر قدرت نيست؟ براستى اينست مفهوم خط نه شرقى، نه غربى جمهورى اسلامى؟

ما همواره گفته و ميگوئيم و خوا هيم گفت كه تجاوزات مكرر هليكوپترهاى روسى - افغانى به خاک ميهن ما حلقه اى است از يك زنجير طولانى تهديد و تجاوز. آنچه كه روس ها و نوكران افغانى آنها عليه، ميهن ما آغاز کرده اند همان فعاليت ضد انقلابى و تجاوزكارانه اى است كه مدتى است در مورد پاكستان انجام ميدهند. هدف آنها علاوه بر ارباب ما و جلوگیری از كمك ايران به مبارزين افغانى، مآلا" زمينه سازى براى تجاوزات گسترده بعدى است.

يگانه راه سد كردن اين فعاليت تجاوزكارانه مقابله جدى در برابر آنست. بايد براى اين مقابله از كليدهاى راههاى قانونى و ديپلماتيك از سوشى و از بسيج توده هاى مردم از سوى ديگر استفاده كرد. توده ها با يد بروشنسى بداندند كه روسيه نيز همچون آمريكا، تجاوزگراست. آنها با يد بداندند كه ميهن ما از جانب هردوا بر قدرت تهديد ميشود و بقول امام خمينى: هردوا بر قدرت ميخواهند ما را بيلتند. تنها راه داده و مقاومت سرستانه توده ها و دولت جمهورى اسلامى قا دراست جلوى تجاوزات بعدى روسها را بگيرد. در اين راه هرگونه مدا را جوشى غيرو اصولى، خطرناك و مهلك است.

بويژه زئرال "چون سريبيجى" بقيه در صفحه ۵

درسى
براي كل جامعه
سپاهيان انقلاب
ابوشريف را برگزيدند

بنا بر حكم رئيس جمهور بنى صدر، بر اساس يك نظرخواهى از فرماندهان مختلف سپاه پاسداران انقلاب اسلامى و نيز از سپاهيان تهران و شهرستانها، آقاى عباس آقا زمانى (ابوشريف) به سمت فرماندهى سپاه انقلاب منصوب شد. ابوشريف كه تا كنون فرماندهى عملياتى سپاه پاسداران را بعهده داشت، اكنون به فرماندهى كل اين سپاه برگزيده شده است. اين انتصاب گام موثرى است در وحدت دادن سپاه و جلوگیری از حركات خارج از كنترول و بي نظمى هاى كه همواره به انقلاب لطمه وارد آورده است. شيوه اين انتصاب بر اساس نظر خواهى از اعضا و فرماندهان سپاه نيز شيوه اى درست بقيه در صفحه ۲

گسترش روابط
ايران و رومانى
بمنفع استقلال
دو کشور است

عليرضا نوپرى رئيس بانك مركزى ايران در بازگشت از سفر چند روزه خود از رومانى و اطريش اظهار داشت، طبق قراردادى كه ماه گذشته بين ايران و رومانى به امضاء رسيد حجم صادرات نفت ايران به رومانى نيز صادرات رومانى به ايران افزايش يافته و به اين ترتيب رومانى امكان يافته است كه با درآمد حاصله از اين راه نفت ايران را خريدارى كند.

برقرارى روابط اقتصادى بين ايران و رومانى امر خوبى است كه به استقلال هردو کشور و قدرت مقاومت آنها در برابر سلطه گرى هاى ابرقدرت ها كمك ميكند.

بقيه در صفحه ۶

گزارشات شهرستانها



مشکلات بیمارستانهای اطفال شیراز

شیراز - ۲۹ اردیبهشت - اکثر مراجعین بیمارستانهای کودکان از زحمتکش اطراف شیراز می باشد که بدلیل عدم برخورداری از تسهیلات پزشکی به شهر رو می آورند و نتیجتاً بکار و تولید آنان در ده خساراتی وارد می آید.

در زیر گوشههایی از وضع بیمارستان های اطفال شیراز را نشان میدهیم و از مسئولین خواستار رسیدگی فوری به وضع درمان نابسامان استان فارس و بخصوص شیراز هستیم.

یکی از مسئولین بیمارستان نمازی سعیدی گفت: پس از ادغام این دو بیمارستان به تعداد مراجعین بسیار افزوده شده بطوریکه قبل از ظهر بیش از ۱۲۰ مریض مراجعه میکنند که به هریک بیش از یک دقیقه وقت نمیرسد.

یکی از پزشکان بهداری دانشگاه گفت: ما ۱۳ تخت داریم ولی حدود ۳۴ مریض را بستری می کنیم.

در سازمان کودکان وابسته به وزارت بهداری نیز وضعیت مسابهی حکم فرماست یکی از پرستاران این سازمان در مورد غیر بهداشتی بودن بیمارستان گفت: "... مثلاً اینجا حتی ملافه نیست تا زیر بیمار بپهن کنیم، فیجی و دیگر وسایل را باید از خانه بیاوریم، روی یک تخت کوچک دو کودک بیمار را می خوابانیم که با این کار کودکان بیماری دیگری علاوه بر بیماری خودشان می گیرند، آیا این وضع بهداشتی است؟ وی در حالیکه مابشر شده بود گفت ما حتی آکل برای تزریقات نداریم.

این پرستار سپس در مورد ویزیت بیماران گفت: درمانگاههای بهداری ۱۰ تومان از بیمار می گیرند، در حالیکه در سایر درمانگاهها ویزیت ۵ تومان است. بعلاوه در اینجا ۷۵ تومان نیز برای سرم می گیرند. وی در پایان از مسئولین خواست به وضع نابسامان بیمارستان ها رسیدگی کنند.

تقلب در انتخابات مرحله دوم نیریز

نیریز - (فارس) - ۲۵ اردیبهشت - بدنبال مشاهده چندین مورد تقلب در انتخابات نیریز اهالی این شهرستان دست به یک تحصن چهار روزه (از ۲۰ تا ۲۴ اردیبهشت) زده و بدنبال آن و در حالیکه خواستار رسیدگی به این تقلبات بودند اعلام اعتصاب غذای سیاسی نمودند و گفتند که در صورت عدم رسیدگی به خواستشان جاده نیریز را مسدود خواهند نمود.

مردم در ضمن نسبت به انتخاب هیئت نظارت مرکزی بر انتخابات که اکثر اهل اصطهبانات هستند اعتراض داشته و میگویند حق بود در مقابل ۷ هزار جمعیت نیریز اکثریت این هیئت در مقابل جمعیت ۴ هزار نفری اصطهبانات، از نیریز انتخاب میشدند.

مردم نیریز بالاخره در روز ۲۳ اردیبهشت اقدام به بستن جاده شیراز - کرمان نموده و فقط پس از دریافت قول رسیدگی به تقاضایشان از سوی استاندار فارس جاده را باز نمودند.

مردم همچنین هشدار داده اند که قصد هیچگونه درگیری با نیروهای انتظامی را ندارند.

میتینگ حزب حرکت اسلامی افغانستان در شیراز

نقش قاطع ایران در پیروزی کنفرانس اسلامی

مقایسه اشغال افغانستان و اشغال فلسطین

در این مصاحبه خبرنگار "رنجبر" از وزیر امور خارجه پرسید: "مفاد قطعنامه کنفرانس در مورد ایران بسیار موفقیت آمیز بود، اما تصمیمات یا مخالفت های بعضی از کشورهای عربی مثل یمن - لیبی - سوریه و هم چنین سازمان آزادی بخش فلسطین در مورد اشغال افغانستان توسط روسیه چه تأثیری در کنفرانس گذاشت و کنفرانس چه تصمیماتی در مورد اینها گرفت؟ آقای قطب زاده گفت: البته... درباره این مسئله قبلاً با دوستانمان صحبت کرده بودیم درباره مسئله افغانستان چندین بار صحبت شدوهم من در سخنرانیم به این مسئله توجه مخصوص داشتم که از مسائل اساسی بود که ما راجع به آن بحث می کردیم. در ملاقاتهای خصوصی و مشاوره های خصوصی به دوستانمان اهمیت مسئله را تذکر می دادیم و استدعا و خواهش که آنها خط مستقلاً را پیش بگیرند و بامال خوشبختانه الجزایر نظر ما را قبول کرد. سوریه نوع عدم تصدی که اعلام کرد بسیار آرام بود ضمن تذکر به اینکه ما هم نمی خواهیم هیچ نوع خارجی در افغانستان باشد ولی یمن جنوبی و لیبی و سازمان آزادی بخش فلسطین خیلی شدیدتر بودند و می گفتند این راه حل درستی نیست. ما باید با ملایمت با روسها طرف شویم و آنها را جزو دوستانمان بدانیم و آمریکا را جزو دشمنانمان. حرف ما این بود که اینجا مسئله دوستی و دشمنی این معنا نیست همانقدر که مذموم است خاک مقدس فلسطین زیر سلطه و یوغ صهیونیسم و امپریالیسم غرب باشد همان قدر هم مذموم است که خاک ملت افغانستان و مردم افغانستان زیر یوغ روسیه باشد. ما اعتقاد نداریم که گلوله های روسی آدم نمی کشد تا آنکه های روسی خانه ها را خراب نمیکند هواپیماها و بمب افکن ها و هلی کوپتر های

گزارش «رنجبر» از سخنان وزیر امور خارجه هنگام بازگشت

باتفاق آرا علیه آمریکا

نقش قاطع ایران در پیروزی کنفرانس

دسیم. من باید از دوستان و برادران الجزایریم در این مورد تشکر بکنم. بخصوص در مورد الجزایر تقریباً هیچ موضعی نبود که مشترک نباشیم خیلی همکاری صمیمانه ای بود البته با سایر کشورها هم بود. در این کنفرانس واقعیت این است که آنچه که نمی خواستیم نشد و آنچه که می خواستیم شد با دیدار مفصل با بحثهای اصولی که ناشی از زمینه های عمیق انقلاب ما

در مورد تهاجم آمریکا، به اتفاق آراء یعنی حتی یک کشور نبود که در موردش عدم تعهد اعلام کند و این مهمترین قطعنامه آنجا و در کنفرانس بود که این اتفاق آراء برای ما خیلی معنا داشت دنیای اسلام از هر قبیل و رنگ و نژادی با ما ایستاد در مقابل دنیای غرب. خبر نگار رنجبر پرسید: یک قطعنامه شما دیگر در مورد ایران به تصویب رسید؟ قطب زاده گفت: بله، در

میزند و دیدند که ما باهمان صداقت و صمیمیتی که باید صحبت می کردیم دروغ به آنها نمی گفتیم بازی نمی کردیم این دسته را علیه آن دسته تحریک نمی کردیم به این دسته یک چیز نمی گفتیم به آن دسته یک چیز دیگر، با دوستانمان که در مورد افغانستان مشکل داشتند صراحتاً و صادقانه می گفتیم شما دوستان ما هستید ولی توجه داشته باشید این مسئله اصول ماست مساله حیثیت ماست تخطی از آن غیر ممکن است و ما این طور خواهیم کرد و دیگران اگر می آمدند و حرفی میزدند در موارد دیگر همین طور می گفتیم. بعد از چند روز در کنفرانس همه این نظر را قبول داشتند که برانیه سیاست باز نیستند ایرانیها صادق هستند صمیمی و حرفهایشان را میزنند.

وظائف خطیر کمیته افغانستان

در جریان کنفرانس کشورهای اسلامی یک کمیته ویژه برای رسیدگی به حل مسئله افغانستان شامل وزرای خارجه ایران و پاکستان و دبیر کل کنفرانس اسلامی تشکیل گردید. این کمیته از سوی شرکت کنندگان در کنفرانس مامور بررسی و دنبال نمودن مسئله افغانستان است.

این کمیته احتمالاً با رژیم ببرک کارمل نیز بعنوان یکی از طرفین درگیر در مسئله افغانستان مذاکره خواهد کرد، اما اعضای این کمیته اعلام کرده اند که چنین مذاکراتی به معنی برسمیت شناختن رژیم کنونی افغانستان نخواهد بود. این امر که کشورهای اسلامی در جهان سوم می کوشند تا ابتکار عمل در حل مسئله افغانستان را در دست داشته باشند امر مثبتی است. اهمیت این مسئله بخصوص از این لحاظ است که بعضی محافل آمریکا و همینطور کشورهای اروپایی و ژاپن چندبست تا با ارائه راه حل های متفاوت (از جمله طرح بیطرفی افغانستان) میکوشند این مسئله را در چارچوب روابط خود با روسیه حل نمایند. که در این "راه حل"ها منافع جنبش افغانستان و مسایل کشورهای اسلامی جهان سوم بخصوص ایران و پاکستان که در همسایگی افغانستان هستند در نظر گرفته نمی شود.

در عین حال مسئله طرف مذاکره قراردادن ببرک کارمل برای حل بحران که بخاطر حفظ وحدت در کنفرانس پیش کشیده شده است، دارای خصلت دوگانه ایست. زیرا از یکسو نوعی انعطاف پذیری در برابر کشورهای اسلامی متقابل بروسیه و نظرات غلط نماینده سازمان آزادی بخش فلسطین در کنفرانس محسوب می شود که نادرست است و از سوی دیگر با انگیزه متحد نگاه داشتن کشورهای اسلامی صورت گرفته است که انگیزه های درست و انقلابی است. از این رو ایران که موضع قاطعانه و انقلابی در برابر بحران افغانستان دارد باید در رفع کمبود های چنین نرمش پذیری فعالانه بکوشد. بایست سازمان آزادی بخش فلسطین را قانع نمود که خط نه شرقی نه غربی انقلاب ایران صحیح ترین سیاست و بیشترین شعار در اوضاع کنونی است. دل بستن به روسیه سوسیال امپریالیستی بخاطر دریافت کمک، در نهایت بسه وابستگی به شرق می انجامد و پیراهنهایست که راه بجایی نمی برد. سیاستهای مماشات گرانه نماینده "ساف" در کنفرانس اسلام آباد باید بعنوان نمونه منفی مورد توجه قرار گیرد و انتقاد و طرد شود.

در حال حاضر هرگونه فعالیت سیاسی و دیپلماتیک که منجر به برسمیت شناختن رژیم کارمل شود، خنجری بر پشت جنبش مبارزان افغانی است. اگر اشغال فلسطین و افغانستان هر دو دارای یک ماهیت تجاوزکارانه از طرف ابرقدرت هاست، برسمیت شناختن رژیم ببرک کارمل نیز ماهیتاً با شناسایی رژیم صهیونیستی اسرائیل یکسان است. بدون توجه به این امر کمیته افغانستان و کشورهای اسلامی نخواهند توانست نقش تاریخی مبارزه علیه سلطه طلبی دوا بر قدرت را که برعهده دارند ایفاء نمایند. البته گذشته از فعالیت های دیپلماتیک باید در نظر داشت جریان اصلی

در باره گروگانها

خبر نگار دیگری از آقای قطب زاده پرسید: شما چه به عنوان وزیر امور خارجه و عضو شورای انقلاب منتخب

شیراز- ۲۶ اردیبهشت - حدود ۱۰۰ تن از افغانستانیهای مقیم شیراز به خاطر افشای جنایات امپریالیسم روس در افغانستان بدعت حزب حرکت اسلامی در فلکه ستاد شیراز اجتماع کردند. در این میتینگ که مورد استقبال مردم شیراز نیز قرار گرفت گلبدن حکمتیار رهبر حزب حرکت اسلامی سخنرانی کرد. آقای حکمتیار ضمن افشای جنایات شوروی، به توطئه‌های آمریکا نیز اشاره کرد و گفت ما آنگاه به نیروی الله و بعد مردم افغانستان داریم و هیچگاه نه از آمریکا و نه از هیچ کشور دیگری برای اخراج نیروهای نظامی روسیه کمک نخواهیم گرفت. وی افزود که روسیه گفته است بزودی سربازان خود را از خاک افغانستان خارج خواهد کرد ولی ما نمی‌گذاریم سربازان روسی از کشور خارج شوند مگر اینکه اجساد آنان را از افغانستان بیرون ببرند. سخنران در پایان گفت: ما می‌جنگیم و عاقبت پیروز خواهیم شد و افغانستان را به کشوری مستقل تبدیل خواهیم نمود.

قرار گیرد.

ایران ما تافته جدا بافته نیست. سالوادور آلنده در شبلی در آغا زروی کنار آمدنش مورد حمایت اکثریت عظیم مردم جا معه بود. ولی چون نتوانست به خواسته‌های مردم جواب گوید سرنگون گشت. البته نباید توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را فراموش کرد، ولی چینی که قابل توجه است این است که چرا امپریالیسم آمریکا توانست در شبلی دست به کودتا بزند. و چرا زمانیکه در شبلی کودتا صورت گرفت، بسیاری از مردم در برابر کودتا از خود مقاومتی نشان ندادند؟ در آرژانتین، در زمان حکومت پرون بدلیل هرج و مرج موجود در جا معه کودتای آمریکائی ویدلا صورت می‌گیرد. اما عجیب اینجاست که اکثریت قریب به اتفاق مردم در برابر رژیم کودتا از خود مقاومتی نشان نمی‌دهند.

چرا راه دور برویم به ایران خودیا زگردیم و روس نام "مردم" ۵ اسفند ۵۸ را ورق بزنیم و دقیقاً آنرا مورد مطالعه قرار دهیم. (مقاله افغانستان - سازمان چریکهای فدائیی - انترناسیونالیسم پرولتری) آنوقت خواهیم فهمید که چرا رهبری حزب توده اینهمه از هرج و مرج موجود در جا معه شگاف و شگول است و در پس جبهه متحد خلق چرا بنده دنبال کودتا گران میگردد. از طرف دیگر امپریالیسم آمریکا نیز سخت بدنبال همین امکانات میگردد. تا او هم

چرا به خواسته‌های ...

خواهران و برادران روستائی را در پوشش بعضی از مسئولین شهری تا رومار می‌کنند؟ موج فرار روستائیان به شهرها بخاطر بدست آوردن لقمه‌ای نان همچنان ادامه دارد. کافی است در شهری، سری به مناطق فقیرنشین بزنیم تا بدانیم چند در صد این افراد از نقاط دیگر به این شهرها آمده‌اند. اینان که خود نمیتوانند و یا بیدران پس فعلی تولیدکننده باشند و بار عظیم تولید برای رهائی از یوغ امپریالیسم آمریکا و بخاطر وابسته شدن به سوسیال امپریالیسم روسیه را بردوش کشند و مورد حمایت وسیع و همه جانبه و خالصانه دولت واقع شوند. گروه فرار می‌کنند. بعضی از مقامات مسئول عنوان میکنند که انقلاب ما یک انقلاب معنوی است! عزیزان! انقلاب چه معنوی باشد و چه نباشد، اگر نتواند به خواسته‌های مردم جواب بدهد، هیچ دوامی نخواهد داشت. تاریخ اینرا ثابت نموده است. تاریخ به ما می‌گوید، دفاع از مرتجعین به هر شکل دوامی ندارد. این سخن من و یا دیگری نیست. این منطق تاریخ است. منافع دقانان ما و بطنور کلی روستائیان که ۶۰٪ جامعه ما را تشکیل می‌دهند نباید به خاطر حفظ منافع مشتکی فتوادل خائن مورد بازیچه

روسی نواحی را تخریب می‌کند. اینها هم همانقدر مخرب هستند که گلوله و تانکها و هواپیماها و هلی کوپترهای اسرائیلی و امریکائی. ما کشتار مترقی در مقابل کشتار ارتجاعی نداریم کشتار کشتار است. دولت مسلمان هستند و بنا بر این وظیفه ماست که از این حق مسلم و داد خواهی این ملت ها دفاع کنیم و بر اساس این برنامه جلو رقیتم و طبیعتا باین منطق آنقدر که ما میل داشتیم با نهایت تأسف جلب توجه نشد و این باعث نهایت تأسف ما شده ولی البته باعث نهایت خوشحالی ما هم شده که الجزایر فقط به اینکه چون ایران می خواهد ما هم قبول داریم به شرط اینکه ایران خودش رهبری کمیسیون متشکله را از کنفرانس به عهده بگیرد ما هم هیچ گونه عدم تعهدی نسبت به آن اعلام نمی‌کنیم و به قطعنامه رای مثبت می-

چرا جهان سوم ...

این جگر پاره جهان سوم در قلب ابر قدرت امپریالیسم آمریکا، بار دیگر و بدنبال قیامهای باشکوه سالهای پیشین، با خاستند و با نبرد خونین خود پوچی دعای "حقوق بشر" کار ترونی نیز تضادهای درونی آنرا به نمایش گذاشتند. در کنفرانس اسلامی، کشورهای این بخش از جهان سوم، با همبستگی و اتحادی کم نظیر علیرغم اخلال دوا بر قدرت و بخصوص ابر قدرت شوروی، بر روی مواضع اصولی

بتوانند با استفاده از هرج و مرج موجود در جا معه از طریق کودتا قدرت را در دست گیرد. برای عقیم گذاردن توطئه های امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم روسیه، باید به خواسته های مردم عمیقاً توجه نمود و اتحاد بزرگ ملی متشکل از کلیه نیروهای استقلال طلب را با مرز بندی قاطع و دقیق از نیروهای وابسته به امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم روسیه و هر قدرت دیگری ایجاد کرد. داریوش - م. آبادان

را جنبش انقلابی مبارزین افغانستان تشکیل میدهند و کشورهای اسلامی باید در همه زمینه ها برای رهایی افغانستان از سلطه سوسیال امپریالیسم به آنان کمک برسانند و اگر هم فعالیت دیپلماتیک صورت می‌گیرد، مسئله مرکزی آن باید خدمت کردن باین مبارزه مقدس استقلال طلبانه باشد.

بود و در نهایت صداقت و با نهایت قاطعیت همه حرفهایمان را زدیم. آنجا که می‌خواستیم سرزنش بکنیم برادرانه و صادقانه سرزنش کردیم آنجا که می‌خواستیم تعریف بکنیم برادرانه و صادقانه تعریف کردیم همین صداقت ما همین سیاست بازی نکردن ما همین راست گفتن ما، همه را تحت تاثیر قرار داد حتی گاهی هم که اگر در مورد بعضی ها، اظهار عدم تعهد می‌کردند نسبت به بعضی از مطالب ما می‌آمدند و خودشان می‌گفتند که مشکلات داخلی زیاد داریم ولی صداقت شما را، انقلاب شما را وضع شما را قبول داریم و تسلیم هستیم. موفقیت بسیار عظیمی که ما کسب کردیم مسئله قطعنامه ایران بود

نه شرقی، نه غربی پا فشاری کردند و جنبش خود را آگاه دیگری به پیش را نندند.

و با لایحه برگزاری جشن سالروز وحدت آفریقا در تهران، پایتخت انقلاب اسلامی، فرصت دیگری است برای ابراز همبستگی ضد امپریالیستی خلقهای این قاره مبارز علیه استعمار و استعمار نو و علیه سلطه ابر قدرت.

این همه رویدادها به وضوح نشان میدهد که جهان سوم نیروی اصلی مبارزه علیه امپریالیسم، استعمار و سیادت طلبی و جنگ افروزی دوا بر قدرت است. اگر جهان سوم علیرغم تمام بغرنجی مناسبات درونی آن، علیرغم رژیمهای متفاوت سیاسی و نظام های اجتماعی گوناگون کشورهای مختلف آن ایمن چنین متحد علیه بزرگترین دشمنان بشریت، علیه دوا بر قدرت عالم خوار و آدم خوار می‌جنگد، دلیل روشن آن اینست که امروز در جهان، مرز میان مترقی و ارتجاعی، انقلاب و ضد انقلاب در درجه اول با معیار مبارزه ضد امپریالیستی

بویژه علیه دوا بر قدرت تعیین میشود و لا غیر.

کشور ما ایران اگر می‌خواهد در این جبهه بزرگ جهانی نقش پیشتا زرا بر عهده گیرد که باید بر عهده بگیرد، وظیفه دارد مرز را هر چه روشن تر ترسیم کند، همانگونه که در کنفرانس اسلامی چنین کرد. تنها این مرز بندی روشن با دوا بر قدرت، تنها شعار نه شرقی، نه غربی، تنها موضع نه آمریکا، نه روسیه قداست، ایمن مرز بندی را دقیق ترسیم نماید.

ایران باید بر اساس این سرز بندی، بر پایه این شعارها کشورهائی که خواهان مبارزه علیه دوا بر قدرت به درجات گوناگون میباشند علیه دشمن مشترک متحد شود. تنها اعتقاد واقعی به شعار استقلال و عمل موشروجدی بر پایه آن شایسته جهان سوم، شایسته جمهوری اسلامی، شایسته ملت رشید و دلیر ایران است.



انجام چه پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی برای حل مسئله گروگان ها دارید؟ قطب زاده گفت:

من هنوز راجع به این مطلب آن طوری که دلم می‌خواهد فکر نکرده‌ام ولی طبیعتاً نظرم را خیلی صریح خواهم داد من همیشه می‌دانید که اعتقاد این بوده که مسئله گروگانها باید از طریق مسالمت آمیز حل شود حقوق حقه ما باید پس داده شود و ما این مسئله را حلش کنیم و من با جنجال درست کردن بی معنا و دکان کردن این گروگان گیری هیچ موقع موافق نبودم آن اصلیت و اصلتش را باید حفظ کرد و دکان داریش را باید متوقف کرد ولی همین مطالب را به اضافه پیشنهاد شخصی اگر داشته باشم طبیعتاً به مجلس خواهم داد و بر آنهاست که تصمیم شان را بگیرند، چه در مقابل خدا و تاریخ و آینده مردم مسئولیت دارند.

سپاهیان انقلاب ابو شریف را برگزینند

و دمکراتیک است که میتواند برای سایر نهادهای انقلاب سرمشق قرار گیرد. لکن از این موارد گذشته، مهمترین نکته در حکم رئیس جمهور مضمون سیاسی آنست. در این حکم پس از اینکه اطلاع داده میشود که بر اساس نظر خواهی اکثریت نسبی فرماندهان و اکثریت عظیم سپاهیان ابو شریف را "صالح تر یافته‌اند"، ره نمود زیر آرا گه می‌شود: "لازم است مشابه این نظر اکثریت قریب باتفاق افراد سپاه توجه کنید و به برخورد های گروهی که همه را به ستوه آورده‌است، پایان بخشید". این رهنمود برای سپاه پاسداران، برای کل جامعه و نهادهای انقلابی آن نیز صادق است. مجموعه جامعه انقلابی ما (از همین دوگانگی رنج می‌برد، در حالیکه در پائین اکثریت عظیم و قریب باتفاق خلق متحد در پشت امام و رئیس جمهور ایستاده‌اند در بالا، اختلافات گروهی و جناحی به ضد وحدت بزرگ توده ها عمل میکند. براستی شیوه درست برای حل اختلافات گروهی در بالا، همین شیوه تکیه بروحده توده‌ها در پائین است. زیرا توده‌ها بهترین کسانی هستند که میتوانند با حرکت از مصالح عالیه انقلاب، به اختلافات گروهی و جناحی که با منافع اساسی آنها بیگانه است پایان بخشند و دعوی جناح ها را به وحدت تبدیل سازند.

اعتصاب کارگران کوره پزخانه‌های گرگان

بیش از هفت هزار تن از کارگران کوره پزخانه‌های گرگان، در تاریخ شنبه ۲۷ اردیبهشت، برای افزایش دستمزد و جلوگیری از اجحافات که در محل کار نسبت به آنان صورت میگیرد، دست به اعتصاب زده و همگی در مقابل اداره کار و فرمانداری گرگان اجتماع کردند

به نمایندگان کارگران اعتصابی برای مذاکره با کارگران کوره‌های اطراف تهران به تهران آمدند

خبرنگار "رنجبر" که بمیان کارگران زحمتکش کوره پزخانه‌ها رفته است مینویسد که کارگران میگویند: "چرا کارفرما حق دارد قیمت آجر را گران کند، ولی ما با همان دستمزد بخور و نمیر باید زندگی کنیم. شما بیایید و زندگی ما را ببینید. کارگران زحمتکش کوره پزخانه‌های گرگان که در شرایط اسفناکی بکار مشغولند، خواهان دستمزدی برابر ۱۰۰ تومان در ازای هر هزار آجر هستند.

مذاکرات نمایندگان این کارگران با مقامات مسئول تا کنون نتایجی نداشته و عاقبت روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت نمایندگان برای

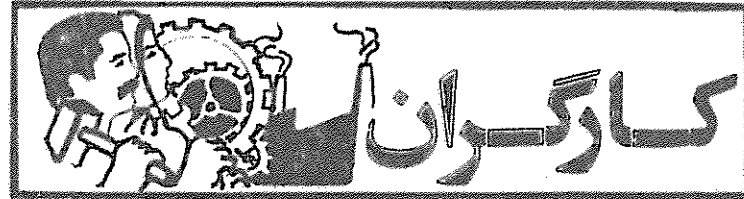
کارفرمایان کامیون‌ها را شبانه به شهرهای دیگر میبرند و هزاری ۵۵۰ تومان بی‌فروشانند

اطلاع از دستمزد رسمی به وزارت کار تهران رفته و همچنین تصمیم دارند تا به کوره پزخانه‌های اطراف تهران هم رفته و با برادران خود در این مراکز مشورت بعمل آورند.

مبارزات کارگران کوره پزخانه‌های گرگان از سال گذشته به این طرف ادامه دارد و تاکنون نیز جوابی شایسته نیافته است. خود کارگران رفته رفته دریافته‌اند که بجز به نیروی متشکل خویش به چیز دیگری نمیتوانند متکی شوند و از طریق اتحاد و بهم پیوستگی قادر به مقابله با اجحافات سرمایه داران کوره‌ها و سودجویی آنان خواهند بود.

در تیرماه سال گذشته ("رنجبر" هفته دوم تیرماه ۵۸) نیز کارگران کوره پزخانه‌های گرگان در اعتراض به کمی دستمزد دست به راهپیمایی زده بودند. امسال صاحبان کوره‌ها برای برکردن جیب خود و اجحاف به مصرف کنندگان، نرخ تعیین شده از طرف شهرداری (هر هزار آجر ۲۹۰ تومان) را زیر پا گذاشته و قیمت آجر را به ۵۵۰ تومان رسانده‌اند. یکی از علل این افزایش قیمت، فروش مخفیانه آجر در شهرهای دیگر مازندران است که به وسیله کارفرمایان انجام میگیرد و شبانه کامیون‌های آجرا از شهر خارج کرده‌باین وسیله باعث گرانی سرسام آور مصالح ساختمانی در گرگان شده‌اند.

یکی از ساکنین محلات فقیرنشین گرگان، در گفتگویی پیرامون گرانی مصالح ساختمانی به خبرنگار "رنجبر" گفت: "مدتی است که میخواهم دیوار خانه‌ام را که ریخته است درست کنم ولی گچ گیرنمیاید، سیمان را با پارتی بازی و زحمت فراوان پیدا کردم، آجر یا اصلا گیر نمیاید و یا خیلی گران است. بعد از یکماه دوندگی مجبور شدم تا آجرهای کهنه یک خانه را که خراب کسریه



پس از ۸ ماه، وزارت کار و کارفرما هنوز تکلیف ما را روشن نکرده‌اند

یکی از کارگران اخراجی شرکت "گرافیک سیلک اسکرین سیلکو" در مراجعه به "رنجبر" به عدم توجه وزارت کار و خود سری کارفرما شرکت مزبور در پایمال کردن حقوق کارگران اعتراض کرد. این کارگر که حدود هشت ماه قبل بهمراه ۷ تن دیگر از این شرکت اخراج شده است گفت: "من ۱۴ سال سابقه کار در این شرکت دارم، هشت ماه قبل صاحبکار، من و کارگران دیگر را اخراج کرد. ما به وزارت کار مراجعه کردیم و مسئولین وزارت کار هم برای هر کدام ما میلیی را که صاحب کار باید پرداخت نماید، بر حسب سابقه، تعیین کردند و بمن هم گفته شد که بابت سالیهای کاریباید حدود ۹۸ هزار تومان بگیریم. پس از مدتی قرار شد تا در کمیسیونی با شرکت کارفرمای شرکت به مشکل ما کارگران اخراجی در

وزارت کار رسیدگی کنند. در تمام جلسات مزبور، کارفرما فقط یکی دو بار شرکت کرد و رسیدگی به وضع ما ماهها بطول انجامید. در آخرین جلسه که هفته قبل برگزار شد، مسئولین وزارت کار بمن گفتند که تو بابت اخراج باید حدود ۳۹ هزار تومان بگیری و عملا حق و حقوق من و دیگران را زیر پا گذاشتند." این کارگر در پایان صحبت هایش میگوید: "وزارت کار عملا هیچ کاری برای اینگونه اخراج ها نمیکند و کارفرمایان هم با خیال راحت دست به اخراج میزنند. هشت ماه از طرح اخراج من و دیگران در وزارت کار میگذرد و تاکنون نتایجی عاید نشده است. این کارفرما پراحتی میتواند، شرکت را به کار بیاندازد ولی آنرا بحالت تعطیل درآورده است تا بیکاری را افزایش دهد.

پایان موفقیت امیز اعتصاب کارگران سوئدی

سراجم در هفته گذشته، اعتصاب عظیم کارگران سوئد با موفقیت به پایان رسید. این اعتصاب گسترده که اساسی ترین بخش های اقتصاد سوئد را فلج کرده بود، با شرکت یک چهارم نیروی کار این کشور یعنی حدود یک میلیون کارگر، انجام گرفت. در ابتدای اعتصاب، سرمایه داران سوئدی در مقابل خواست کارگران برای افزایش دستمزد، مقاومت کردند و از پرداخت حق کارگران خودداری نمودند. عاقبت کارگران سوئدی با ادامه اعتصاب و حفظ یکپارچگی، سرمایه داران سوئدی را وادار به تسلیم کرده و آنان مجبور شدند که ۶/۸ درصد به دستمزد کارگران اضافه نمایند.

بیش از ۵۰۰ تن از کارگران زحمتکش ترک مهاجر که در فرانسه بکار مشغولند. برای بهبود شرایط کار و روشن شدن وضع اقامت خود، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که در ۳ اردی بهشت ماه گذشته انجام گرفت خشم کارگران مهاجر را در اعتراض به کنترل پلیس، به روشنی نشان میداد. کارگران اعتصابی در حالیکه شعارهایی بر علیه کنترل و تعقیب پلیس فرانس می‌دادند، همبستگی بین المللی خود را بازحمتکشان کشورهای دیگر اعلام کردند.



باز گشت به روستا، بدون تأمین امکانات کشاورزی بهبود شرایط زندگی روستائیان، میسر نیست

کشاورزی ایران در دوران حکومت ملی دکتر مصدق میرفت تا هر چه بیشتر به احتیاجات داخلی پاسخ گوید (و حتی گاهی به صدور برخی کالاها مانند خشکبار و پاروده و... می پرداخت). این حرکت مانند بسیاری حرکت‌های مستقل دیگر در صحنه اجتماع ما با کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۳۲، کند و سپس با "برنامه ارضی" شاه مخلوع متوقف و به عکس خود تبدیل شد. هدف این برنامه چنانکه بر همه روشن است جایگزین ساختن سرمایه‌های امپریالیستی بجای سرمایه‌های ملی در کشاورزی ایران بود.

و "شول سنگر" بعلت عدم وجود امکانات زندگی و کشاورزی روستای خود را ترک کرده‌اند. آنها در کناره های خیابان های شیراز (عمدتا خیابان زند) به فروش اجناسی مانند لباس و غیره پرداخته‌اند. مسئولین به آنها گفته‌اند که باید برای کشاورزی به روستاهای خود برگردند. آنها به اینکار مایلند ولی امکانات وجود ندارد: نه جاده، نه آب، نه برق، نه حمام و... و نه وسایل کشاورزی.

اهالی روستای "کشن" نیز دارای چنین وضعی هستند. کشن روستای کوچکی است در نزدیکی کارخانه سیمان شیراز با ۱۰۰ خانوار جمعیت این روستا فقط آب لوله کشی و مدرسه داشته و از درمانگاه، حمام و جاده‌های اسفالت محروم است. این روستا شرکت تعاونی ندارد و بدین لحاظ روستائیان مجبورند مایحتاجشان را از مغازه‌ها با قیمتی متغیر بخرند.

رژیم طاغوت در تمام ابعاد خود در اختیار امپریالیسم قرار گرفته بود و تمام قوانین از جمله قوانین مربوط به کشاورزی حافظ منافع زمینداران بزرگ و طاغوتیان بود. وامها، بذر، کود، و سایرل کشاورزی همه و همه در اختیار آنها بود. بدین شکل و با فشاری که بر دهقانان کم زمین و بی زمین وارد میشد آنها را کم کم از هستی ساقط کرد و آنها را به دو سو کشاند:

اکثر اهالی برای کار به شیخ نشینهارفته‌بیا برای کارگری و رانندگی به شیراز آمده‌اند. وضع آنها متزلزل و نامعلوم است چنانکه آقای "حبیب پهلوزی" یکی از اهالی میگفت: "مدت دو سال در یکی از شرکت‌ها راننده بولدوزر بودم. دو ماه است که مرا به دلیل ورشکسته شدن شرکت اخراج کرده‌اند. در حال حاضر با بیکاری و اجاره خانه‌ای حدود ۹۰۰-۸۰۰ تومان باید شانزده نفر را هم خردم."

۱- یا خانه و کاشانه را رها کرده، از خیر تکه زمین خشک گذشتند و به شهر ها پناه آوردند. ۲- یا اگر شانس بیشتری داشتند و در کنار روستایشان شرکت های کشت و صنعت یافت میشد به کارگری در این شرکت‌ها پرداختند.

بقیه از صفحه ۶
آفریقا) بمناطق حساس تبدیل
شده‌اند.

مپریالیسم روس مذبحانسه
میگوشد همانند امپریالیستهای کمپسه
کار غربی " تمدن نوع روسی خود را
در این قاره مسلط سازد. " تمدن
نوع روسی که در دو دهه قبل در قاره
آفریقا جا باز کرد در این مدت جز
چاپول وغارت منابع طبیعی وانسانی
تخریب دامر وحدت خلقهاوکشور
های آفریقایی ، دخالت درامسور
داخلی آنان ، تجاوز به تمامیت ارضی
و کودتاهای بی دری نبودهاست .
روسیه سنگ بنای "تمدن" خود
را در پشٹیانی از سرکوب جنبش
انقلابی خلق کنگو برهبری پاتریس
لومومبا توسط آمریکا در سال ۱۳۳۹
بنا گزارد. در سال ۱۳۴۵ با ورود
۲۵۰۰ مستشار دیگر نظامی روسیه به
مصر گامهای دیگری در وابسته کردن
هیئت حاکمه مصر بخود برداشت ودر
سال ۱۳۵۱ تعداد مستشاران خود را
به ۲۰۰۰ نفر رسانید. در سال
۱۳۴۹ دست بمکودتای نافرجام در
سودان زد ودر سال ۱۳۵۳ برای
ایجاد مناطق تحت نفوذ در شاخ
آفریقا به مسلح کردن کشور سومالی
و تحریک آن علیه کشورهمسایه
سودان پرداخت. در دو سال بعد
توانست جنبشی رادر سومالی و اوگاندا
دامن زند.

آفریقا و جهان سوم

قاره آفریقا بر مبنای تقسیم بندی
تئوری سه جهان جزء جهان سوم می-
باشد و چه از نظر منابع انسانی وطبیعی
و چه از نظر سیاسی و طوفان های
مبارزاتی نقش موثری را در شکل گیری

کرده گرائی دو ابر قدرت اتخاذ نمایند .
در نشست های شورای اقتصادی
و اجتماعی سازمان ملل متحد و
کنفرانس های تجارت و عمران متحد و
ملل متحد ، کشورهای آفریقائی یکی
پس از دیگری عملیات پلید ابر قدرتها
را در کنترل بازار بین المللی ، خرید
مواد خام کشورهای جهان به قیمت
های بسیار نازل و فروش کالاهای صنعتی
به قیمت های بسیار گزاف ، استثمار
های نا برابر بر ملا ساخته اند .

بسیاری از کشورهای آفریقائی به
این نتیجه رسیده اند که بدست آوردن
استقلال سیاسی کافی نمی باشد بلکه
آنها می باید در زمینه استقلال اقتصاد ،

روز رهایی آفریقا

جهان سوم به عنوان نیروی عمده
مبارزه با امپریالیسم و سلطه طلبی
ایفا نموده است .

آفریقا ، پس از آسیا با مساحتی
معادل ۳۰/۳ کیلو متر مربع بزرگترین
قاره جهان است . از بیش از ۱۲۰ کشور
جهان سوم ، بیش از ۵۰ کشور آن در
قاره آفریقا قرار دارد . جمعیت این
قاره ۴۵۷ میلیون نفر می باشد .

آفریقا یکی از غنی ترین
سرزمین های جهان در زمینه مواد خام
می باشد . طبق آمار منتشره توسط
سازمان ملل متحد سهم آفریقا از کل
منابع طبیعی جهان به فرار زیر است :

طلا	۸۰/۶ %
الماس	۷۶ %
کاکائو	۲۰ %
کیالت	۴۳/۲ %
سنگ فسفر	۲۳/۵ %
مس	۲۰ %
نفت خام	۱۲/۹ %
آهن	۹ %

بعلاوه آفریقا در تولید پلاتین ،
کرم و منگنز در دنیا مقام اول را دارا
است و منابع اورانیوم به فراوانی در
آفریقا یافت می شود . ۴۰ % از انرژی
هیدرولیک جهان در آفریقاست و منابع

جنگلی این قاره بسیار وسیع می باشد .
در سال های اخیر کشورهای
آفریقائی متحد با دیگر کشورهای جهان
سوم قادر شده اند مواضع قاطعی علیه
اشکال مختلف استثمار ، تجاوز و سر-

و سوسیال امپریالیسم شوروی اعلام
کرده اند . در کنفرانس اخیر اسلام آباد
کشورهای اسلامی آفریقائی عضو این
جبهه قطعنامه ای را مبنی بر اخراج
مزدوران کوبائی از شاخ آفریقا را به
کنفرانس پیشنهاد کردند که مورد تصویب
قرار گرفت .

علاوه بر این اکثر کشورهای
آفریقا از مبارزات رهایی بخش خلقها
و ملل ستم دیده جهان بر علیه امپری-
الیسم و سوسیال امپریالیسم پشٹیانی
می نمایند . اکثر کشورهای آفریقا متحدان
وضع قاطعی علیه تجاوز امپریالیسم
امریکا در هند و چین گرفتند و از
مبارزات این خلقها در دهه گذشته
پشٹیانی نمودند . همین طور کشور-
های آفریقائی از حقوق حقه خلق
فلسطین و دیگر خلقهای عرب در مبارزه
علیه امپریالیسم و صهیونیسم دفاع
می نمایند .

کشور های آفریقائی پشٹیانی
پیگیر مبارزات مسلحانه آزادی بخش
دیگر خلقهای آفریقا می باشند و
همواره آنان را در مبارزه شان بر علیه
رژیم های نژاد پرست تقویت نموده اند .
پشٹیانی از مبارزات خلق زیمبابوه
نمونه خوبی می باشد . همچنین کشور-
های آفریقائی با تحریم و مبارزه متحد
و قاطع خود کمیته بیستین بازی های
المپیک سال ۷۲ را مجبور ساختند که
دعوت نامه خود را از رود زیبا
(زیمبابوه) پس بگیرد و بدین ترتیب
از شرکت رودزیا در بازیهای المپیک
هم مانند آفریقای جنوبی جلوگیری
به عمل آمد .

کشورهای آفریقائی از مبارزات
رهایی بخش و استقلال طلبانه خلقها
و کشورهای که روی روی امپریالیسم
شوروی به مبارزه مرگ و زندگی دست
زده اند پشٹیانی قاطع نموده اند .
پشٹیانی کشورهای اسلامی آفریقائی
در کنفرانس اسلامی اسلام آباد در
دفاع از مبارزات خلق افغانستان بر
علیه اشغال نظامی این کشور توسط
روسیه ، تحریم المپیک مسکو توسط
کشور آفریقائی در همین مورد و رای
مثت دادن به قطعنامه سازمان ملل در
محکوم نمودن این تجاوز به افغانستان
برجسته ترین این پشٹیانی هامیباشد .
آفریقا به پا خاسته است و

استوارانه در راه ایجاد آفریقائی نوین
به پیش می رود . " روز رهایی آفریقا"
را پروولتاریا ، خلقها و ملل تحت ستم
و کلیه کشورهای استقلال طلب گرمی
می دارند .

دهقانان بی زمین هم در
واقع همین وضع را داشتند .
در روستاها نه آب لوله کشی
نه برق ، نه درمانگاه ، نه حمام ، نه
جاده ، نه مسکن درست و حسابی ، از
هیچ چیز خبری نبود . در شهر ها
مشکلات دیگری بود چون بیکاری ،
مساله مسکن و ... ولی بهر حال
این روستائیان چنان به تنگ آمده
بودند که زندگی در شهرها با این
همه فشار و ناراحتی که بر آنها
وارد میکرد به ماندن در موطن خود
(که در آنجا نیز از هیچ چیز
برخوردار نبودند) ترجیح دادند .
باین شکل سیل مهاجرت ها شدت
یافت . در دوره ای توانستند در
شهر به کارهای ساختمانی بپردازند .

باین حال این شغل ها نه
دائمی بود و نه برای همه و این وضع
تا انقلاب ادامه داشت .

پس از انقلاب ، مردم ایران
بویژه زحمتکشان توقع داشتند که با
سقوط شاه خائن ، دولت ملی با
برنامه ای مشخص در جهت رفع
احتیاجات قدم بردارد . سال گذشته
عده ای از روستائیان اقدام به کشت
گندم کردند . آنها با دست خالی
به کشت دیم پرداختند و منتظر
اقدامات دولت برای حل مسائل خود
شدند ولی کم کم دریافتند که حل
این مشکل بدست خودشان انجام
پذیر است . آنها زمین هایی را که
در گذشته به زور از تملکشان خارج
شده بود باز پس گرفتند و با همان
امکانات اندک به کشت آن پرداختند .

البته زحمتکشان روستایی
همواره با هجوم فئودالها و عوامل
مزدور آنان مواجه گشتند ، آنها در
اغلب مواقع با همان باند های
گذشته روبرو شدند که خرمن آنها را
زیر و رو می گرد و حتی آنها را نیز
به قتل میرساند . دهها و صدها
گزارشی که در شماره های مختلف
"رنجبر" چاپ شده گواه بر تسلط
نسبی این زمینداران بزرگ و عوامل
طاغوتیان از یکطرف و عدم وجود
لوازم و وسایل اولیه رفاهی از جانب
دیگر است .

روستائیان مایل به بازگشت
به روستای خود و کشت و زرع هستند
ولی امکانات موجود نیست . از جمله
میتوان از روستائیان ساکن "خلار"
"سول سنگر" و "کنش فارس نام برد ؛
عده زیادی از اهالی "خلار"

حرج بدهم
با این شرایط ، روشن است که
نی توان توقع داشت مهاجرت کاهش
یابد ، چنانکه در عرض یکسال ونیم
گذشته حدود یک و نیم میلیون نفر به
جمعیت تهران اضافه شده است . این
عده کثیر چرا خانه و کاشانه خود را
رها کرده و به شهر ها هجوم میاورند ؟
اگر آنها از مسکن ، بهداشت ، وسایل
رفاهی وامکانات فعالیت های
کشاورزی و دامداری برخوردار باشند
چرا موطن خود را رها کنند ؟ دلیل
روشن آنست که زحمتکشان روستایی
از فقر و نداری به تنگ آمده اند .
انها همچنان در دام قوانین
طاغوتی کشاورزی گرفتارند . وام به
همه داده نمی شود و شرکت های
تعاونی نیز به توزیع غیر عادلانه
کالاهای خود ، ایجاد کنندگان بازار
های سیاه هستند . از اصلاحات
ارضی و تقسیم زمین هم فقط صحبت
میشود و غالباً هر عملی در این
جهت با جفاقی تکفیر " غصب اراضی
غیر شرعی" کوبیده میشود . زمین
داران بزرگ با سازمان های اجرایی
در تماس نزدیک قرار دارند و به
اعمال نفوذ ادامه میدهند .

جلوگیری از مهاجرت نه با
حرف و نصیحت عملی است و نه با
وعده های سرخرمن . دولت باید
برنامه ای مشخص ارائه دهد و در
جهت پیاده کردن آن قدم بردارد .
بالا بردن امکانات رفاهی از قبیل
آب ، برق ، جاده ، بهداشت و
درمان ، مدرسه و ... در روستاها
و نیز تامین لوازم ضروری کشاورزی
(بذر ، کود ، وام ، ماشین آلات
و ...) از قدمهای اولیه است .
چنانکه بارها گفته ایم یکی از
مشکلات عمده ای که باید به حل آن
پرداخت " زمین" است . باید هر چه
سریعتر و قاطع تر برنامه تقسیم
زمین اجرا شود . بدین منظور باید
قوانین خشک و دست و پا گیر اداری
شکسته شود تا بوروکراسی دیگر
نتواند مانند زمان طاغوت بر تمام
شئون زندگی مردم سایه شوم خود
را بیندازد .

برای بالا بردن شور و شوق
خلق در مبارزات ضد امپریالیستی
باید "رفاه اجتماعی" تامین گردد
تا زحمتکشان با ایمان قوی به مبارزه
بپردازند .

خوئینی‌ها، نماینده خوب مشی انقلابیگری

کردستان و مسئله خودمختاری

در این شماره پنجمین قسمت بررسی و نقد نظرات حجت الاسلام خوئینی‌ها را میخوانید. در این قسمت به نظرات آقای خوئینی‌ها درباره کردستان برخورد می‌شود.

۴- مسأله خودمختاری و کردستان آقای خوئینی‌ها هدف نهایی کلیه کسانی را که خود مختاری طلب کرده اند و یا در آینده خواهند کرد "تجزیه" میدانند، میگوید: "خودمختاری استانها اصولاً ملاک و ضابطه‌ی منطقی و حتی طبیعی ندارد." در باره کردستان آقای خوئینی‌ها یادآور می‌شود که: "اساساً آن چیزی که امروز در کردستان از آن بعنوان نهضت کردی یاد میشود چیزی جز شورش یک عده مزدور نیست زیرا که رهبری این شورش به دست افراد مزدور است..." بنظر من شورش کردستان شورش تجزیه است... باید از طریق نظامی یا شدت شورش سرکوب شود.

اشاره شده است. و حتی سوره‌ای در مورد واگذاری کارها به خود مردم موجود است. آقای بهستی که عصرها در مسجد جامع سخن گفت تا کید را برای این گذاشت که در وفای رس ندادیم. همگی یکی هستیم. همگی به یکسان تحت ستم و آزار بوده ایم و با اسلام تبعیض بین نژادها و اقوام قائل نمیشود.

از آن زمان تا بحال بخوبی میتوان دید که دو برخورد و شیوه کاملاً متفاوت برای حل مسئله کردستان از طرف حاکمین ارائه شده است. یک جناح، که بنظر میرسد آقای خوئینی‌ها هم در آن قرار دارند با شعار مساوات و یکی بودن اقوام ایرانی بمیدان می‌آیند، چون بطور عینی به حق مردم کرد نامساویها و نابرابریها روا شده است، با مقاومت ملیت کرد و بربر میگردود در چنین حالتی شیوه زور و سرکوب را ناچاراً تجویز مینماید. جناح دیگر که بنظر میرسد در میان حاکمین جناح کوچکی را تشکیل میدهد و هر روز از نفوذ قدرت آن کاسته شده است از واقعیت موجود کردستان حرکت میکند میپذیرد که در حق خلق کردستم مغایر واقع شده، جا معسده کردستان ایران بطور ویژه

آقای خوئینی‌ها کافی است حتی به حرفهای آقای مفتی زاده که در وفاداریش به دولت مرکزی شکی نیاید وجود داشته باشد رجوع کنند تا در باب بده که افراط به خرج داده است و حقد را ز وضع کردستان امروز و مسئله ملیتها بدور است و نسبت به آن بیگانه و نا آشنا.

کرد موجود است نه تنها در ایران بلکه در عراق در سوریه در ترکیه و در روسیه، همگی علاوه بر مسلمان بودن، ایرانی، عراقی، سوری... بودن، کرد بودن خود را احساس میکنند. این یک واقعیت است که با گفتن این که اسلام تبعیضی را قائل نیست نمیتوان نادیده گرفت و اساساً درست بخاطر اینکه در اسلام تبعیضی نیست باید قبول کرد که اقوام متفاوئی وجود نند و همگی آنها حق مساوی دارند. حق تعیین سرنوشت خود را دارند و آزاد و مختار رند تا اتحاد با بقیه را بپذیرند. برجسب و نهضت تجزیه طلب را به هر کس که خواهان خودمختاری است زدن فتنه‌ها بر پا میکند. عدم تفاهم را در میزند و شرایط را برای سوء استفاده مشتئ ناچیز که امروز رهبری بخش بزرگی از جنبش خلق کرد را غصب کرده اند، فراهم میسازد. درست کاری که در یک سال گذشته به علت سیاستهای اشتباه آمیز دولت صورت گرفت. علاوه بر این کوبیدن کلیه رهبران جنبش کنونی کرد یکدست و یک جا کار درستی نیست. آقای خوئینی‌ها همانطور که تمایز بین ملیت‌های

بر خوردی به مقاله

«مرگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی آمریکا» مندرج در «کار» شماره ۵۶

کائوتسکیسم یا دفاع از امپریالیسم جوهر تفکر رهبری غاصب سازمان چریکها

چریکها

مقاله "مرگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی آمریکا..." در نشریه "کار" ۵۶ ارگان دارو دسته رهبری سازمان چریکهای فدایی خلق، بیان کننده آخرین مواضع ضد انقلابی رهبری غاصب سازمان چریکهای فدایی خلق است لذا برخورد به این مقاله و افشای هر چه بیشتر نظرات راست این گروه دارای اهمیت زیادی است. این مقاله که مملو از نظرات رویزونیستی، کائوتسکیستی و تروتسکیستی است، در نهایت در خدمت توجیه سرسپردگی رهبری غاصب سازمان چریکهای فدایی به سوسیال امپریالیسم می‌باشد. در اینجا ما به گوشه‌ای از این نظرات برخورد میکنیم. جوهر این نظرات، کائوتسکیسم یعنی آرایش امپریالیسم و دفاع از آن می‌باشد.

در این مقاله، رهبری غاصب سازمان چریکها با ستایش سوسیال امپریالیسم روسیه به عنوان "اردوگاه سوسیالیسم" و نیروی عمده انقلاب جهانی، آنرا که یکی از دو ابزار قدرت امپریالیستی جهان است، از جرگه امپریالیست‌ها خارج کرده و آنگاه ابر قدرت دیگر یعنی امپریالیسم آمریکا را بعنوان رهبر بسلا منازع همه امپریالیستهای جهان، یا بهتر بگوئیم تنها امپریالیست جهان (!) معرفی مینماید؛ "از جنگ جهانی دوم به این سو پروسه‌های تقسیم و تقسیم مجدد جهان بین سرمایه‌های مالی و دولتهای امپریالیستی به سود در جهت گسترش انحصارهای آمریکایی و دولت آمریکا

تضادهای موجود در اقتصاد جهانی امپریالیستی گردد. تمام حقایق حاکی از آن است که تلاش برای تقسیم و تقسیم مجدد جهان (بازارها و نیروی کار در سطح جهان) بین انحصارات سرمایه مالی شدت یافته است... (همانجا) لکن آنها بطور مزورانه‌ای مقوله تشدید تضادهای درون سیستم امپریالیستی را به مقوله تضاد میان جناح‌های سرمایه مالی تقلیل میدهند تا امپریالیسم را آرایش کرده و خصلت جنگ افروزی آن را مخفی سازند: "هم اکنون تضادهای معین بین سه گان عمده سرمایه داری معاصر: ایالات متحده آمریکا، ژاپن و بازار مشترک اروپا عمل میکند، اما در

رهبری غاصب سازمان چریکها بر روی رقابت امپریالیستی که سرمایه‌های مختلف و تجاوز امپریالیستی است پرده ساتر می‌کشد

جریان یافت. پروسه‌ای که از مدت‌ها قبل آغاز شده بود، در آخرین دور تکاملی خود عظیمترین سرمایه‌ها را که عمدتاً اصلیتی آمریکایی داشتند بر جهان مسلط گردانید و همپای با آن سلطه سیاسی (بویژه نیروی نظامی) دولت آمریکا را به‌مناسبه نیروی مسلط در سیستم جهانی امپریالیستی تثبیت کرد. ("کار" شماره ۵۶). در واقع ریشه نظرات ضد انقلابی کائوتسکیستی رهبری غاصب سازمان چریکها از مسأله امپریالیسم، شماره ۵۶). در واقع ریشه نظرات ضد انقلابی کائوتسکیستی رهبری غاصب سازمان چریکها از مسأله امپریالیسم، شماره ۵۶). در واقع ریشه نظرات ضد انقلابی کائوتسکیستی رهبری غاصب سازمان چریکها از مسأله امپریالیسم، شماره ۵۶).

معنی چشم خود را بستن بر روی تاریخ گذشته و حال و به معنی تیره تمام و کمال دو قرن جنایت و تجاوز و جنگ افروزی امپریالیسم است. واقعیت اینست که پس از جنگ جهانی دوم، سرمایه‌های آمریکایی بر جهان مسلط شدند. لیکن به علت قانون رشد ناموزون سرمایه، پروسه احیاء و رشد سرمایه‌های بومی ژاپن و اروپا بگونه‌ای انجام گرفت که در دهه ۱۹۶۰ به طور جدی به رقابت با سرمایه‌های آمریکایی برخاستند. رقابت شدید سرمایه‌های ژاپن و آلمان غربی با آمریکا، تشکیل بازار مشترک، حرکت مستقل فرانسه به رهبری دوگلو... همه آغاز گر شکاف در سلطه آمریکا و کاهش نسبی قدرت آن بودند. در حال حاضر اختلاف بین اروپا و ژاپن (جهان دوم) با آمریکا به جایی رسیده است که در همه زمینه‌های اقتصادی و سیاسی، تضاد آنان کاملاً مشهود و بارز است. مقاومت این کشورها در برابر آمریکا آن چنان است که حتی رهبران کرم‌لبین نیز می‌کوشند با استفاده از این تضاد این کشورها را به سوی خود جلب کنند. اما چرا رهبری غاصب چریک‌ها همه حقایق را منکر میشود و تز و روشسته کائوتسکی را در دفاع از امپریالیسم زنده میکند؟ ریشه نظرات ضد انقلابی کائوتسکیستی رهبری غاصب را نه

شاخ و دم ندارد! در کلیه زمینه‌ها خود را به وضوح نشان می‌دهد و با یادگفت که آقای خوشبینی‌ها به معنی واقعی نمونه خوبی در این روش شیوه تفکر هست. اما چرا با زهم بطور مشخصی نظرات آقای خوشبینی‌ها در زمینه‌های فوق اشتباه بوده و چنانچه حاکمین ما طبق رهنمود ایشان عمل کنند، خسارات جبران ناپذیری را در رابطه با اتحاد بزرگ ملیت‌های مختلف ایران ببار خواهد آورد. برانداختن حکومتی به مراتب سهل‌تر از حفظ قدرت سیاسی و دوام در حکومت و ساختن جامعه‌ای نوین میباشد.

بر اثر تصادف آن روزی که مرحوم طالقانی و آقایان بنی صدرو بهشتی برای حل مسئله کردستان به سنجند رفتند در آنجا بودم. هم پای صحبت آیت الله طالقانی در میدان آزادی و هم پای صحبت آیت الله بهشتی در مسجد جامع نشستم. مرحوم طالقانی تأکید را بر محرومیت‌ها و استمنی که در زمان رژیم شاه وابسته‌ها میریالیسم آمریکا بر مردم کردها شده بود گذاشت و یادآور شد که خود مختاری موضوع تازه‌ای نیست و در قرآن بسان

عقب نگاه داشته شده و در میان مردم آن سامان علاوه بر احساسی و وجدان مشترک مسلمان بودن (که با تمام مسلمانان جهان مشترک است)، ایرانی بودن (با تمام ایرانیان صرف نظر از اختلافات مسلکی، قومی، مذهبی)، احساس وجودان کرد بودن هم موجود است و قابل احترام، چون چنین برخوردی از موضع و وضع واقعی خلق کرد حرکت میکند، با خوش آمد مردم کرد و بر میگردند و در چنین حالتی شرایط برای حل مسئله کردستان به دست خود مردم کرد و با همکاری و همفکری دولت مرکزی فراهم میشود.

پس از انقلاب ما با تضاد این دو برخورد متفاوت نسبت به مسئله خود مختاری کردستان روبرو بودیم و کلیه فراز و سببها و ضد و نقیصی‌ها هم‌اکنون از این دو برخورد گام ملامت گرفته است. آقای خوشبینی‌ها ستم مضاعف کردها را در زمان رژیم سابق تا قبول ندادند مسئله خود مختاری را به عنوان تجربه طلبی رد میکنند، و اما با وجود یک جنبش اصیل ملی‌گرا پیرادر کردستان نه تنها بطور کلی نفی مینماید بلکه جنبش کثونی را هم شورش مزدوران مینامند.

همان شیوه‌ها می‌بزی هم‌اکنون گروه‌های رهبری متفلسف و ت جنبش کثونی گردستستان نمیکند. علاوه بر این که این امر در ماهیت و واقعیت نا درست است حتی از لحاظ تاکتیکی هم که شده چنانکه آقای خوشبینی‌ها فرمانده و سیاستمدار خوبی بودند چنین برخوردیکسانی را نمی‌کرد.

متاسفانه از میان رهبران کنونی هم‌رویی شیخ عزالدین حسینی انگشت می‌گذارد. در حالی که در گذشته قاسم و حوزب دمکرات کردستان است که نقشه و منبع اصلی کلیه وابستگی‌ها و تخریب در کردستان میباشد. نقش بازی نظامی حزب توده را در کردستان بازی میکند. اما نتیجه جنبش و نشاط و نهایی نادرستی راه حلی جز سرکوب نمیتواند ارائه دهد. آقای خوشبینی‌ها اگر راه حل کردستان را به‌کار برسد زور و

سرکوب میدانند. با یکدکست نتیجه‌ای که بی‌فوج جمهوری اسلامی ایران و وحدت ملیتها با شدیدا نخواهد آمد.

در شماره آینده آخرین قسمت نامه بررسی و نقد نظرات آقای خوشبینی‌ها را چاپ می‌کنیم.

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

حکمت‌های خود را
بانک ملی ایران
به حساب بانکی زیر واریز نمائید: تهران - شعبه خیابان ایرانشهر
شماره حساب ۴۵۳۶۸

رفقا، دوستان در پاسخگویی به دعوت حزب برای کمک جهت رفع مشکلات مالی جنبش تقویت بنیه مالی حزب با شور و شوق اعضا و هواداران و دوستان حزب روبرو شده‌است. بخشی از کمک‌های مالی را در زیر می‌آوریم.

رس‌آرش	تهران	۲۸۰۰۰
طرفداران حزب در	کرمان	۹۵۰۰۰
خانم ش	چیرفت	۵۰۰۰
خانم حمیده	تهران	۳۰۰۰
آقای ک	خوی	۱۰۰۰
آقای جعفر	ری	۱۰۰۰

رنجبر

ارتگان حزب رنجبران ایران
ساحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیری
مدیر مسئول: علی حجت
نشانی: خیابان انقلاب جنب سینما رویال
خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷
نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۱۴۰۱-۳۱۳
تلفن ۸۲۰۶۹۱ چاپ نسرست

هم‌اکنون هم ادامه دارد، دوران سلطه سرمایه مالی و انحصارات، عصر صدور سرمایه و دوران بین‌المللی شدن سرمایه است. این خصوصیات جدیداً پدید نیامده‌اند بلکه در سراسر دوران امپریالیسم وجود داشته و از اول تا آخر این دوران خود را نشان می‌دهند. لنین در بحثی که با کائوتسکی مرتد معروف دارد، تزاو را که معتقد است تمرکز سرمایه در انحصارات گوناگون و ادغام آنها در یکدیگر موجب ایجاد یک "اولترا امپریالیسم" می‌گردد، رد می‌کند. کائوتسکی معتقد بود در این "ما فوق امپریالیسم" کلیه سرمایه مالی جهان یکدست و همگون متمرکز گردیده و تضادهای درونی و جنگهای امپریالیستی پایان خواهند پذیرفت. در عوض لنین معتقد است در حالی که از یکسو سرمایه مالی به تمرکز مداوم خود ادامه میدهد، از سوی دیگر و به موازات آن پروسه تضاد و رقابت بین بلوکهای گوناگون سرمایه انحصاری رشد میکند. این تضادها

رهبری غاصب سازمان چریکها

روسیه را تحت عنوان جدال سوسیالیسم با امپریالیسم، توجیه میکند.

با رشد ناموزون امپریالیستهای گوناگون (رشد سریعتر امپریالیستهای نو با و حریص) تشدید شده و به جنگ بین امپریالیستها و تقسیم مجدد جهان (چه بشکل الحاق ارضی و چه به اشکال دیگر کنترل بازار، مواد خام و نیروی کار) خواهد انجامید. بعلمت همین قانونبندی هرگز تضادهای درون نظام امپریالیسم نخفید نیافته و هرگز ناظر همزیستی و همگونی آنان در یک "اولترا امپریالیسم" نخواهیم بود. رهبری غاصب سازمان چریکها در نقطه مقابل نظرات لنین، که نقطه مقابل مارکسیسم-لنینیسم قرار گرفته و پروسه تمرکز سرمایه و تشدید تضادها را پایان یافته می‌بینند: "پروسه‌ای که از مدتها قبل آغاز شده بود. در آخرین دور تکاملی خود عظیم‌ترین سرمایه‌ها را که عمدتاً اصلیتی آمریکایی داشتند بر جهان مسلط گردانید. رهبری غاصب سازمان چریکها برای پسرده پوشی ماهیت عمیقاً ضد لنینی نظرات خود ظاهراً تضادهای درون سیستم امپریالیسم را می‌پذیرند: "این فکر سراسیمه است که سیادت سرمایه مالی موجب تضعیف ناموزونی‌ها و

می‌کنند (قبلاً بین اعتبارات نفتی با اسلحه سازی یا شرکتهای تولید مواد مصرفی). روشن است که چنین

رهبری غاصب سازمان چریکها وابستگی به شوروی را از در عقب و تحت پوشش مقاله با آمریکا توجیه می‌کند

اول اینکه آنان با مافوق امپریالیست دانستن آمریکایه توجیه کمک گرفتن از شوروی به اصطلاح "اولترا سوسیالیست" می‌پردازند. در واقع برخلاف باند کیانوری که وابستگی به شوروی را ضریحاً تبلیغ میکند آنان وابستگی به شوروی را بطرز مزورانه و از در عقب و تحت پوشش مقابله با آمریکا توجیه می‌کنند.

دوم - بایکی دانستن آمریکا و جهان دوم، امکان استفاده از تضاد بین امپریالیستها را نفی کرده و با مطلق شمردن قدرت سرمایه مالی آمریکا امکان هرگونه حرکت مستقلی را در برابر آن انکار میکنند و تنها راه را افتادن به آغوش سوسیالیسم امپریالیسم می‌دانند.

سوم - رهبری غاصب سازمان چریکها با نفی امکان بروز جنگهای امپریالیستی، به توجیه سیاست جنگ طلبانه و تجاوزکارانه برژنف-

سولف پرداخته و جنگ بین دوا بر قدرت امپریالیست (آمریکاوروسیه) را جنگ عادلانه "ما فوق سوسیالیسم" علیه "ما فوق امپریالیسم" جامیزند. بدین ترتیب، در حالیکه دارودسته کیانوری میکوشد بر روی واقعیت جنگ افروزی شوروی برده سانسور بپفکند، رهبری غاصب سازمان چریکها با فراتر گذاشته و این تجاوزگری و جنگ افروزی را تحت عنوان جدال سوسیالیسم با امپریالیسم توجیه میکند.

اینست، هدف اصلی دارودسته رویزیونیست رهبری سازمان چریکهای فدایی خلق از طرح شعار "مرگ بر امپریالیسم جهانی" به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، روشن است که این دارودسته همچون دارودسته کیانوری از طرح این شعار هیچ هدفی مگر خدمت هر چه بیشتر به سوسیالیسم امپریالیسم شوروی را دنبال نمیکند.

تضاد ورقابیتی نه تنها به جنگ برای تقسیم و تقسیم مجدد جهان منجر نخواهد شد، بلکه بنا به تفسیر رویزیونیستی رهبری غاصب به ادغام آنها در یک انحصار بزرگتر یعنی به همان "اولترا امپریالیسم" آقای کائوتسکی، به همان امپریالیسم صلح طلب و غیر متجاوز منجر میشود!

رهبری غاصب سازمان چریکها این گفته لنین را که مرزهای حقیقی جهان را مرزهای سرمایه مالی تعیین میکند قلب ماهیت میدهند و دعوا را

رهبری غاصب سازمان چریکها

عنوان جدال سوسیالیسم با امپریالیسم، توجیه میکند.

صرفاً به سطح و عوای میان جناح‌های سرمایه مالی که بخوبی درون یک انحصار قابل حل هستند تنزل میدهند. یعنی بر روی رقابت امپریالیستی که سرمنشاء جنگ و تجاوز امپریالیستی است برده سانسور می‌کنند.

براین اساس آنها به وضوح دول ژاپن و اروپای غربی را زانده‌ی حکومت آمریکا میدانند. در چنین صورتی گفتگو از رقابت بر سر تقسیم جهان و جنگهای امپریالیستی که از طریق دول مستقل امپریالیست اعمال میشود، بیپوده است. این صحیح است که سرمایه مالی و اعتبارات در کشورهای امپریالیستی نقش عمده را در تعیین منافع ملی دارند، لیکن در صحنه سیاست، این مجموعه و برآیند منافع جناحهای مختلف سرمایه مالی، انحصاری است که "منافع ملی" را شکل داده و از طریق دولت‌ها اعمال میکند. نفی بروز منافع سرمایه مالی در قالب منافع ملی، به معنی نفی جنگ طلبی امپریالیستها، نفی خصلت جهانگشایی آنان، نفی جنگهای امپریالیستی گذشته و بالاخره به



تنگه مالاگا: پایگاه دائمی زیر دریایی های روسی

خبرگزاری رویتر از توکیو بر اساس منابع مطلع غربی گزارش میدهد که روسیه اقدام به استقرار زیر دریایی های حامل موشک های هسته ای در اطراف تنگه مالاگا کرده است. تنگه مالاگا یکی از حیاتی ترین و مهمترین راه های دریایی جهان وهم ردیف راه های دریایی خلیج فارس است. سه ماه پیش روسها با بدست آوردن پایگاه زیر دریایی "کام ران" در ویتنام امکان یافتند بطور دائم زیر دریایی های خود را در دریای جنوب چین وتنگه مالاگا به گشت زنی بکارند.

بگفته این منابع سال پیش نیروی دریایی روسها هرگز دارای چنین پایگاه زیر دریایی دائمی در دریای جنوب چین نبودند. این زیر دریایی ها فقط از پایگاههای خود در ولادی وستک به اقیانوس هند رفت و آمد میکردند. علاوه بر این روسها یک کشتی تحقیقاتی به دریای جنوب چین فرستاده اند تا با نقش برداری از عمق اقیانوس، اطلاعات دقیقی از زیر دریایی هایی که در این منطقه فعالیت دارند بدست آورند. اخیرا افزایش چشم گیری در

ایران و پاکستان در قیروس موشک های روسی و آمریکائی

پطوریکه مجله "رویدادهای خاور دور" گزارش میدهد، شوروی موشک های بالستیک برد متوسط در افغانستان کار گذاشته است. موشک های شوروی مجهز به کلاهک های هسته ای و کلاهک های انفجاری با قدرت زیادی میباشد. آمریکا نیز موشک های نوع کروز خود را که با پرواز در سطح بائین از دید رادارها پنهان میمانند در هواپیما های ب-۵۲ خود مستقر کرده است. مق این هواپیماها

در بزرگترین تهاجم روسها به مجاهدین ۶۰ تانک و چهار هلیکوپتر روسی از بین رفت



بر اساس گزارش نهضت اسلامی افغانستان در طول هفته گذشته نیرو های دست نشانده افغانی و ارتش اشغالگر روس یکی از مناطق آزاد شده بنام "جافوری" واقع در ۱۷۰ کیلو متری استان غزنین را مورد حمله و تهاجم گسترده هوایی وزمینی ونوب خانه وسلاحهای سنگین قراردادند. بگفته شاهدان عینی بیش از ۶۰۰ توب وتانک و هفتاد فروند هلیکوپتر در این تهاجم شرکت داشتند.

مجاهدین نهضت اسلامی افغانستان مدت سه روز متوالی در برابر نیروهای متجاوز ایستادگی و مقاومت کردند. نیروهای مهاجم خسارات و تلفات جانی زیادی در این منطقه بار آورند. در این نبرد که شدیدترین نبرد بین دولت سرسپرده و مجاهدین بوده است دست کم ۶۰ تانک منهدم شدو چهار فروند هلیکوپتر بدست مجاهدین سقوط کرد. شاهدان عینی تعداد هشت کامیون اجساد کشته شدهگان ارتشی را در شهرک "مقر" که در نزدیکی منطقه نبرد قرار دارد در حال خاک

کشورهای بیشتری المپیک مسکو را تحریم کردند ۶۲ کشور مخالف شرکت در المپیک مسکو هستند

دیروز آخرین مهلت برای اعلام آمادگی جهت شرکت در بازی های المپیک بود و طبق آخرین خبرهای رسیده تاکنون ۶۲ کشور با شرکت در چنین بازی هایی مخالفت کرده اند. البته کمیته های المپیک عده معدودی از این کشورها علیرغم مخالفت دولت های خود در این بازی ها شرکت می کنند. اما این عده نیز از فرستادن کلیه ورزشکاران خود وشرکت دادن کلیه رشته های ورزشی در این بازی ها خودداری کرده اند. در آخرین مهلت کشورهای ترکیه، باهاما، بولیوی، اندونزی، مالووی، موریتانی و قطر نیز به جمع کشورهای تحریم کننده بازی های المپیک پیوستند.

رویدادهای اقتصادی

قطع وابستگی ریال به دلار بنفع اقتصاد ملی ما است

قطع وابستگی ریال به دلار، تصمیم گیری برای تعیین ارزش ریال بر مبنای ارزش مجموعهای از ۱۶ ارز مهم دنیا یک دگرگونی مثبت در زندگی اقتصادی ایران و اقدامی فراخور حال جامعه انقلابی ایران بود. این اقدام قدرت خرید ایران را در برابر ارزهای مهم جهان وبخصوص در برابر ارزهای اروپایی وین ژاپن تقویت خواهد کرد.

ایران از نظر واردات مواد صنعتی وكشاورزی، حتی در زمان شاه، بیشتر با بازار مشترک و ژاپن معامله داشت تا آمریکا. برای مثال در سال ۵۵ میزان دلاری واردات ایران از بازار مشترک و ژاپن نزدیک به ۴ برابر میزان واردات ایران از آمریکا بود. در عین حال صادرات هریک از دوکشور آلمانغربی و ژاپن به تنهایی بیش از میزان صادرات آمریکا به ایران بود. البته این ارقام شامل میلیاردها دلار خریدهای تسلیحاتی ونظامی شاه که پس از انقلاب تقریباً تمامشان لغو شد، نمیشود. رابطه گسترده بازار ایران با بازارهای اروپایی و ژاپن و در عین حال وابستگی ریال به دلار سبب میشد که با کاهش ارزش دلار و افزایش ارزش ارز های اروپایی و ژاپنی، بازرگانان ایرانی مرتباً از قدرت خریدشان کاسته شود. چراکه اگر فرض کنیم بهای یک جنس معین ۱۰۰ مارک در سال ۱۳۵۶ باشد، در سال بعد - اگر تاثیر عوامل دیگر را در نظر نگیریم- به سبب کاهش ارزش دلار و صعود ارزش مارک، بازرگان ایرانی باید مثلاً ۱۲۰ مارک بپردازد و این تفاوت قیمت را صرفاً باید بدلیل وابستگی ریال به دلار و کاهش ارزش دلار در مقابل ارزهای اروپایی بپردازد. در شرایط کنونی که ارزش ریال بر مبنای اس. دی. آر (حق برداشت مخصوص) تعیین میشود، زیانیهای ناشی از نوسانات ارزها به اقتصاد ایران و بخصوص به سرمایه داری ملی کشورمان به حداقل خواهد رسید. در حدود ۷۵ درصد از کل پرداخت های خارجی ایران قبل از آبان گذشته به دلار بود. اگر در نظر داشته باشیم که این پرداختها غالباً برای خرید کالاهای کشورهای جهان دوم بود که قیمتشان بر اساس ارزهای مهم غیر از دلار تعیین می شد، براحتی میتوانیم نتیجه بگیریم که چه زیان هنگفتی در اثر نوسانات نرخ ارزها در جهت کاهش ارزش دلار، متوجه ما شده است. هدفهای امپریالیسم

اما چرا و با چه انگیزه های تحولات ارزی دهه اخیر بدینسان بضرر جهان سوم وبنفع امپریالیست ها وبویژه ابرقدرت آمریکا صورت پذیرفت؟ اگر مسئله را در کلی ترین و عام ترین خطوط بررسی کنیم، چنین تصویری از روند تحولات برایمان جلوه گر میشود: ابرقدرت امپریالیستی آمریکا در ابتدای دهه ۷۰ رسماً رابطه دلار باطلا را قطع کرد و پس از آن دست به تغییراتی در سیاست پولی خود زد تا اولاً بتواند دلارهای اضافی بدون پشتوانه خود را، که تا ۵ برابر ذخیره طلایش رسیده بود، تاحد امکان به داخل آمریکا جذب کند و در عین حال با کاستن از ارزش دلار در مقابل ارزهای کشورهای جهان دوم، قدرت رقابت خود را از نظر قیمت، در مقابل کالاهای اروپایی و ژاپنی افزایش دهد. این مسئله ضمناً تغییراتی در حجم واردات آمریکا از اروپا و ژاپن بنفع آمریکا بعمل می آورد. بطور خلاصه تغییرات سیاست پولی آمریکا در آغاز دهه ۷۰ حلقه مهمی از یک سلسله اقدامات برای دگرگونی در موازنه پرداختها و تراز بازرگانی خارجی این کشور بود. ۴ برابر شدن قیمت نفت در بایئز ۱۹۷۳، از سوی دیگر باعث می شد تا قیمت تمام شده کالاهای کشورهای صنعتی خریدار نفت در جهان دوم فوق العاده افزایش یابد، که در نتیجه این امر وبموازات تغییرات زیانبار نرخهای ارز در این کشورها، اولاً سیادت آمریکا بر اروپای غربی و ژاپن تامین شود و دوماً در مجموع امپریالیسم غرب میتوانست بیش از پیش از طریق صدور کالا و مکیدن دلارهای نفتی به غارت جهان سوم بپردازد.

در دست است. معر این هواپیماها در جزیره "دیگوگاریا" در اقیانوس هند می باشد.

موشکهای بطرف مرزهای جنوبی یعنی ایران و پاکستان نشانه گیری شده اند.

قیام مسلحانه

کنند و بر روی هم میهنانشان شلیک نکنند.

مبارزات مردم کره جنوبی بر علیه سلطه امپریالیسم آمریکا و حکومت دست نشانده اش مبارزه ایست محقانه و مورد پشتیبانی کلیه خلقها و کشورهای استقلال طلب جهان است. این مبارزات ضربه ای است بر پیکره ناتوان امپریالیسم آمریکا در این منطقه که سالها با ایجاد تفرقه بین دو کوره شمالی و جنوبی، گسیل سربازان و استقرار پایگاهها پیش در کره جنوبی و سرکار آوردن دولتهای فاشیستی در این کشور، بحاکمیت خود در این منطقه ادا می دهد.

توده های خلق کره جنوبی عمیقاً خواهان وحدت دو کوره شمالی و جنوبی از طریق دمکراتیک و مسالمت آمیز

میباشند. آنان خواستار استقلال میهنشان و برچیدن هرگونه پایگاه قدرتهای خارجی در سرزمین خود میباشند. خلق کره جنوبی خواستار این است که خودسرنوشت خود را در دست گیرد و از طریق دولتی دموکراتیک مبارزه برای آزادی اقتصادی و استقلال اقتصادی را به پیش برد. جنبشهای توده ای اخیر گامی است بلند در این راه و دورنمای پیروزی خلق کره جنوبی و وحدت دو بخش سرزمین کره را بسیار نزدیک ساخته است.

خلق ایران و دولت جمهوری اسلامی باید با تمام قوا از مبارزه خلق کره برای کسب آزادی و استقلال و وحدت سرزمین خود پشتیبانی نماید. کره جنوبی و شمالی جنبه خانواده بزرگ جهان سوم اند و جهان سوم رزمنده و توفنده در راه نفی سلطه دوا بر قدرت جهان خوار، آمریکا و شوروی، به پیش می تازد.



بین المللی اخبار کوتاه

بر اساس گزارش رادیو کامیوجیای دمکراتیک، ارتش انقلابی و چریک های کامیوجیای دمکراتیک در ماه مارس موفق شده اند بیش از یک هزار تن از سربازان اشغالگر ویتنامی را از پای در آورند.

علیرغم تقاضای مجدد گرومیکو وزیر خارجه روسیه و سایر وزراء و مقامات روسی که از هند دیدن کرده اند، دولت هند از واگذاری گندم به روسیه خودداری کرد.

بانک آسیایی توسعه (آ.د.ب.) پروژه خود را در افغانستان به علت خطراتی که برای کارکنان آن پیش می آید به تعلیق در آورده.

آمریکایی تیروزویک که اخیراً از لائوس دیدن کرده است، گزارش داد که از سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) تاکنون ۳۰۰ هزار نفر از مردم لائوس از کشور فرار کرده و در نقاط مختلف جهان بصورت پناهنده در آمده اند. این تعداد آواره برابر یک دهم جمعیت سه میلیونی لائوس است.

ناوچه های اسرائیلی برای بار سوم در ماه گذشته بر استحکامات سازمان آزادیبخش فلسطین در جنوب لبنان حمله کردند. در این حمله یازده نفر کشته و شانزده نفر زخمی شدند.

بیست و پنج هزار آواره زیمبابوهای که در طول هفت سال جنگ رهایی بخش مجبور به ترک سرزمین خود شده بودند، بیس از استقلال به کشور خود باز می گردند. طبق گزارش سازمان ملل تاکنون بیش از چهار هزار نفر به زیمبابوه برگشته و بقیه در راه میباشند.

تولیدات صنعتی آمریکا در ماه آوریل ۱/۹ درصد نسبت به ماه مارس کاهش داشته که بالاترین درصد کاهش از فوریه ۱۹۷۵ است.

رنجبر و خوانندگان

قدرت آمریکا و روسیه بخصوص جیره خواران باند سر سپرده کیانوری در حزب توده دست به جنین اعمالی میزنند که چندین بار رسوا شده اند. اما در برخی جاها دیده شده که عده ای بنام "اسلام" به فروشندگان "رنجبر" و هواداران حزب رنجبران حمله کرده اند و با آنکه در برخی موارد تحریکات مزدوران روسیه وجود داشته ولی در مواردی هم عناصر انحصار طلب و تنگ نظر با تحریک چند جوان مذهبی دست به ابتکار زده و حداقل زمینه مساعدی برای تحریکات بیشتر مزدوران روسیه بوجود آورده اند. ما در عین تمرکز افشگری و مبارزه با این شیوه های عمال دوا بر قدرت، لازم میدانیم که به عده ای عناصر انحصار طلب هم تذکر دهیم که در مبارزه سیاسی میان نیروهای استقلال طلب و دارودسته های وابسته تمایز بگذارند.

روزنامه تان بدهید خیلی ممنون میشویم چون مردم فکر می کنند که گروه های چپ افراد انقلابیون را جماعدار و... می گویند و ما هم عین همین مطلب را ادا می کنیم در صورتی که این نقشه استعمار امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم می باشد.

باتشکر فراوان سپروزباشید
ت - ن
آدرس حزب جمهوری اسلامی -
نابل ۵۹/۲/۲۰

رنجبر - دوست عزیز همان طوریکه در نامه تان اشاره نمودید افراد صدیق و انقلابی به نیروهایی مانند حزب رنجبران ایران که عمیقاً طرفدار خط نه شرقی، نه غربی هستند. حمله نمی کنند. ما هم قبلاً بارها در "رنجبر" توضیح داده ایم و شواهدی آورده ایم که عمال دوا بر

نامه يك مبارز مسلمان به حزب رنجبران ايران

چون موضع ضد امپریالیستی و ضد سوسیال امپریالیستی دارید، افراد انقلابی به دفتر شما حمله نمی کنند

بسم الله الرحمن الرحيم
سرپرست محترم حزب رنجبران ایران (تهران)
باعرض سلام و توفیقات برای شما کارکنان و کارمندان شورای حزب رنجبران و دست اندرکاران روزنامه رنجبر که در خط امام فعالیت میکنید و پیروز هم خواهید شد (انشاء الله).
در روزنامه های رنجبر و خصوصاً شماره ۴۹ می بینیم که افرادی به سازمان و پایه دفتر حزب رنجبران حمله می کنند شما همیشه اظهار میدارید که جماعداران و ضد انقلابیون به دفتر یا سازمان چپ حمله می کنند. در صورتی که اگر شما کمی دقت کنید موضع تان موضع ضد امپریالیستی و

این رقم در دوره یکساله پس از انقلاب یعنی در سال ۵۸ به میزان ۶۸۶ میلیارد ریال رسید. با توجه به اینکه ارزش واردات ایران از آمریکا در همین مدت به یک سوم رسیده و عمدتاً محدود به دارو و مواد غذایی شده و با توجه به اینکه در مجموع جلوی ورود بسیاری از کالاها بخصوص کالاهای غیر ضروری گرفته شده است، دگرگونی در تعیین ارزش ریال بنحویکه تاثیر زیانبار نوسانات نرخ ارزها را به حداقل برساند، اقدام مثبتی برای برقراری روابط عادلانه تر با جهان دوم و کاهش میزان تورم وارداتی خواهد بود.
در عین حال باید توجه نمود که برای سالم سازی اقتصاد کشورمان، تقویت بنیادهای اقتصاد ملی و حرکت در جهت قطع وابستگی و کسب استقلال اقتصادی، نمیتوان به یک یا دو حرکت مانند قطع وابستگی ریال به دلار قناعت کرد. ساختمان نوین اقتصادی جامعه ما نیازمند یک سلسله اقدامات اساسی بر اساس بسیج توده ها و تامین منافع آنهاست. در غیر اینصورت این قبیل اقدامات بیش از آنکه منافع مجموع خلق و بخصوص توده های زحمتکش را در نظر داشته باشد، منیع جدیدی برای افزایش درآمد سرمایه داری ملی خواهد بود.

اس.دی. آر چیست؟

بانک مرکزی ایران اعلام کرد که از اول خرداد نرخ ریال را بر حسب حق برداشت مخصوص (اس.دی. آر) تعیین خواهد کرد. با توجه به ناروشتی هایی که درباره معنای اس.دی. آر موجود است، به توضیح مختصر این پدیده می پردازیم:

در سال ۱۹۶۹ (۱۳۴۸) صندوق بین المللی پول با گشایش حساب مخصوصی، قبول کرد که ذخیره های کشورهای عضو صندوق را که بصورت دلار و طلا نگاهداری میشود، با "حق برداشت مخصوص" (اس.دی. آر) معاوضه نموده و دلارهای دریافتی را به آمریکا مسترد گرداند.

در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) صندوق بین المللی پول مبلغ ۳/۱ میلیارد دلار و در هر یک از سالهای ۷۱ و ۷۲ مبلغ ۲/۸ میلیارد دلار حق برداشت مخصوص (اس.دی. آر) صادر و توزیع نمود. در ابتدا هر واحد حق برداشت مخصوص معادل یک دلار بود. پس از سال ۱۹۷۳ صندوق تصمیم گرفت که میزان توزیع اس.دی. آر بر حسب دارایی کشورها در صندوق بوده و هر عضو حداقل ۳۰ درصد از حق برداشت خود را بصورت سپرده نگاهدارد. در سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) بعثت نوسانات شدید نرخ دلار، ارزش اس.دی. آر معادل ارزش شانزده ارز مهم بین المللی بدلار تعیین شد. از این پس نوسانات قیمت اس.دی. آر در رابطه با نوسانات نرخ دلار ناچیز شد و همین مسئله سبب شد که بسیاری از کشورها و از جمله ایران ارزش واحد پولی خود را بر حسب اس.دی. آر تعیین کنند. یکی از بدیهی ترین نتایج این اقدام برای این قبیل کشورها این بود که از افزایش تورم، تا آنجا که مربوط به واردات کالاها مختلف میشد تا حد امکان جلوگیری نمایند.

صندوق بین المللی پول همه روزه ارزش اس.دی. آر را بر حسب ۱۶ ارز کشورهای آمریکا، کانادا، آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، هلند، نروژ، انگلستان، سوئد، بلژیک، اتریش، عربستان، ایران، استرالیا و اسپانیا تعیین می نماید. بانک مرکزی ایران نیز ارزش ریال را بر مبنای ارزش این ارزها به استثنای ریال عربستان و ریال ایران تعیین خواهد کرد. صندوق بین المللی پول این ارزها را بر حسب میزان سهم این کشورها در تجارت بین المللی انتخاب کرده است. گفته میشود که صندوق در صدد است تا ۵ ارز دلار، مارک، ین، لیره و فرانک فرانسه را به جای ۱۶ ارز در محاسبه نرخ اس.دی. آر دخالت دهد.

گسترش روابط شوروی و آرژانتین

مجموع خریدهای شوروی از آرژانتین در سال ۱۹۷۹ به ۴۰۰ میلیون دلار رسید که بخش اعظم این مقدار را غله تشکیل میداد. در سال جاری نیز شوروی نیسی از غله صادراتی آرژانتین را خریداری کرد.
پس از حمله شوروی به افغانستان و تقاضای آمریکا برای تحریم فروش غله به روسیه، تنها آرژانتین بعنوان یکی از ۴ کشور مهم تولید کننده غله ضمن محکوم کردن تهاجم شوروی از قبول تحریم خودداری کرد.
روابط ابر قدرت امپریالیستی روسیه با حکومت ویدلا، دیکتاتور نظامی آرژانتین مدتهاست که روبه گسترش گذارده و انتظار میرود که در سال جاری وزیر خارجه آرژانتین برای امضای قراردادهای جدیدی در راس یک هیئت سیاسی-اقتصادی عازم مسکو شود.

روز رهایی آفریقا



امروز چهارم خرداد برابر با بیست و پنج ماه مه "روز رهایی آفریقا" است. هفده سال پیش هنگامی که سازمان وحدت آفریقا با به عرصه وجود گذاشت، چهارم خرداد را "روز رهایی آفریقا" نامید.

سی و یک کشور مستقل آفریقاروز ۲ خرداد ۱۳۴۲ (۲۳ مه ۱۹۶۳) در آدیس آبابا گرد هم آمده و سازمان وحدت آفریقا را بنیان گزارند. اساسنامه سازمان وحدت آفریقا اهداف این سازمان را ایجاد همبستگی و اتحاد ما بین کشورهای آفریقایی، همکاری در رشته های سیاست، اقتصاد، دفاع، سیاست خارجی، تمامیت ارضی و استقلال آفریقا و باره کردن زنجیرهای استعمار اعلام نمود.

در عرض این هفده سال، با وجود مشکلات داخلی و خارجی، آفریقا گامهای بزرگی را در اتحاد و مبارزه علیه دشمنان خود، نژادپرستی، صهیونیسم، استعمار، امپریالیسم و سر کرده گرائی برداشته است.

مبارزه مسلحانه رهایی بخش در بسیاری از سرزمینهای تحت اشغال استعمارگران و نژاد پرستان پیروزگشته است، اتحاد فشرده تری بخاطر رهایی ملی از یوغ امپریالیسم بوجود آمده و دولت ها مبارزه خود را برای حفظ و استحکام استقلال ملی، حراست از حاکمیت ملی و منابع ملی، و پیشبرد اقتصاد و فرهنگ ملی گسترش داده اند.

از زمان تاسیس سازمان وحدت آفریقا تا کنون ۱۹ کشور آفریقایی به استقلال سیاسی دست یافته اند. پیروزی خلق زیمبابوئه در کسب استقلال میهنش در ماه گذشته ضربه دیگری بر پیکر ناتوان نژاد پرستی و استعمار در آفریقا وارد آورد.

آفریقا به با خاسته است و استوارانه در راه ایجاد آفریقائی نوین به پیش می رود. پرولتاریا، خلقها و ملل ستمدیده جهان و کلیه کشورهای استقلال طلب این روزگار می داشته و خود را همسنگر و متحد آفریقا در این راه پیمائی طولانی می دانند.

نگاهی به گذشته

قاره آفریقا، سرزمین خلق های متعددی است که با رشد سرمایه داری در اروپا و آمریکا تدریجا مورد تجاوز، غارت و چپاول استعمارگران قرار گرفت. اولین بار در سال ۱۴۱۵ استعمارگران پرتغالی بندری در مراکش (اتیوپی) را به اشغال خود در آوردند.

آغاز تجاوز به سرزمینشان دست به مقاومت و مبارزه زدند. به سال ۱۵۱۰ مردم "هوتن تات" در دماغه امید نیک آفریقای جنوبی استعمارگران را شکست سختی دادند. بین سال های ۱۵۰۰ تا ۱۸۷۱ فقط ۴۳ قیام و شورش بزرگ صورت گرفت. در سال ۱۸۷۲ نیم میلیون برده آفریقائی که به هائیتی برده شده بودند علیه نظام برده داری بپاخاستند و بدین وسیله امپریالیستها را مجبور ساختند تا قانون برده داری را لغو کنند.

اما با لغو قانون برده داری مبارزه آفریقائی ها خاتمه نیافت. جنگ امپریالیستی جهانی اول و پیروزی انقلاب اکتبر شرایط کاملا نوینی را برای خلقهای سراسر این قاره در مبارزه علیه امپریالیسم بوجود آورد.

از جنگ جهانی اول تا کنون وبه ویژه پس از جنگ جهانی دوم تغییرات عظیمی در آفریقا به وقوع پیوسته است. در حالی که قبل از جنگ جهانی دوم تنها سه کشور اتیوپی، لیبیا و مصر استقلال داشتند. امروز تعداد آنها به ۵۰ کشور که ۹۶٪ از کل وسعت آفریقا را در بر می گیرد به استقلال دست یافته اند. ۹۴٪ از کل جمعیت قاره آفریقا در این کشورها به سر می برند.

مبارزه مسلحانه رهایی بخش در سرزمین های تحت سلطه استعمار و امپریالیسم همچنان به پیش می رود. مبارزه مسلحانه خلق ارتبه که در نبردی نابرابر در مقابل رژیم فاشیستی اتیوپی، مزدوران کوبائی و مستشاران روسی قرار گرفته است. مبارزه مسلحانه خلق صحرا بر علیه امپریالیستهای غربی و امپریالیسم آمریکا، مبارزات مسلحانه خلقهای نامی بیا و آزانیا بر علیه رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی، مبارزات مسلحانه خلق تیگره خلق سومالی در صحرای اوگادن بر علیه رژیم اتیوپی، مبارزات مسلحانه در جنوب آنگولا بر علیه رژیم طرفدار سوسیال امپریالیسم این کشور و مبارزات مسلحانه در داخل اتیوپی بر علیه رژیم وابسته به روسیه منگیستو.

کشورهائی که استقلال خود را به دست آورده اند، با وجود توطئه های رنگارنگ امپریالیستها بویژه امپریالیسم شوروی که به صورت تخریب، دخالت، تجاوز و کودتا در این قاره صورت می گیرد مبارزه خود را برای حفظ و حراست از استقلال ملی و تمامیت ارضی به پیش می برند.

پس از جنگ جهانی دوم با ضعیف شدن امپریالیستهای کهنه کار و قدرت یافتن امپریالیسم آمریکا باز هم مبارزه برای تقسیم مجدد آفریقا ادامه یافت. با ورود سوسیال امپریالیسم شوروی به صحنه رقابت امپریالیستی این مبارزه تشدید پیدا کرده است.



نشریه خلق را بخوانید

امپریالیستی آمریکا را در برابر راه حل های مختلف سیاسی نظامی در برابر نهج و مرج کنونی قرار داده و به تشدید هرج و مرج کنونی در اوضاع جهان افزوده است.

در چنین شرایطی نیروهای انقیاد طلب در کشور ما نیز دست از توطئه و اخلال برنمی دارند.

در مقاله "حزب توده، شوالیه مبارزه علیه "بورژوازی" لیبرال"، تغییرات مختلف در سیاستهای ضد انقلابی و انقیاد طلبانه ستون پنجم سوسیال امپریالیسم روس را مورد مطالعه قرار داده و نشان داده ایم که این تغییرات اساسا تاکتیک های مختلفی است که این حزب بعنوان عامل روس در خدمت پیاده کردن برنامه های ارباب خود برای تسلط بر ایران انجام میدهد.

در این تاکتیک سوم، حزب توده بوسیله اپورتونیسم "چپ" در ایران یاری میشود. در مقاله "اپورتونیسم "چپ" در ایران" کوشش کرده ایم که این پدیده نو ظهور را از لحاظ ماهیت طبقاتی، نقش و رسالتی که در خدمت شوروی به عهده گرفته است، بررسی کنیم. اگر اپورتونیسم کهن دیروز در خدمت امپریالیسم عمل میکرد، اگر نروتسکیسم، اپورتونیسم "چپ" نیمه اول قرن حاضر، به آلت دست ارتجاع بین المللی و فاشیسم تبدیل شده بود، امروز در عصر ابرقدرتها و ظهور پدیده سوسیال فاشیسم، اپورتونیسم "چپ" در خدمت این جریان قرار گرفته و پایگاهی برای نفوذ ابرقدرت روس در کشورهای مختلف جهان وبویژه در جهان سوم می باشد.

بدین ترتیب نشریه "خلق" شماره ۳ اساسا به بررسی جوانب مختلف اقتصاد و سیاست و ایدئولوژی امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم اختصاص داده شده. در شرایطی که رقابت و سلطه جویی این دو ابرقدرت در جهان و در رابطه با میهن ما هر روز بیشتر تشدید میشود مقالات این شماره "خلق" به نیازهای اساسی مبارزه انقلابی کمونیستهای راستین و سایر نیروهای استقلال طلب علیه امپریالیسم پاسخگو میباشد. ما کلیه اعضا و هواداران حزب، کلیه مارکسیست - لنینیست ها و کلیه افراد استقلال طلب، اسلام مبارز و ملی گرایی مترقی را به خواندن مقالات این شماره "خلق" دعوت مینمائیم.

هفته گذشته شماره سوم نشریه "خلق" - ارگان سیاسی تفویک حزب رنجبران ایران منتشر شد. "خلق" شماره ۳ حاوی یک رشته مقالاتی است که برخی از مسایل مهم ملی و بین المللی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است:

سوسیال فاشیسم روسونقشه استراتژیک تهاجمی آن در عرصه جهانی، وضعیت اقتصادی امپریالیسم آمریکا، تعریف و تحلیلی از پدیده "اپورتونیسم چپ" در ایران و توضیح ماهیت نقش و عملکرد آن در اوضاع کنونی کشور و طرح کلی برنامه حزب ما در جبهه استقلال فرهنگی... موضوعات اصلی این شماره میباشد. در ضمن در این شماره ترجمه مقاله های نیز از ف. انگلس درباره مبارزات و آثار فنا ناپذیر کارل مارکس، به مناسبت سالروز تولد این پایه گذار مکتب علمی برای رهایی زحمتکشان جهان، چاپ شده است.

در "بیرامون پدیده سوسیال فاشیسم"، خلعت فاشیستی دستگاه دولتی و ایدئولوژی حاکم در جامعه کنونی شوروی پس از احیاء سرمایه داری در این کشور بررسی می شود. امروزه دیگر واژه سوسیال امپریالیسم برای مشخص کردن تمام ابعاد سیستم اجتماعی و سیاسی حاکم بر شوروی و عملکرد خارجی این ابرقدرت جهان خوار کفایت نمی دهد. شوروی بمقابله یک رژیم فاشیستی در تمام عرصه ها، چه داخلی و چه خارجی عمل میکند و ایدئولوژی سیادت طلبانه آن در سطح جهانی بطور تمام عیار یک ایدئولوژی فاشیستی نوع هیتلری در زیر پوشش "انترناسیونالیسم پروولتری" است.

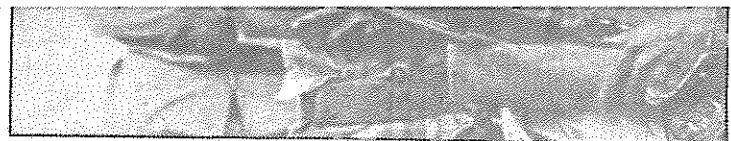
فاشیسم روسی در عرصه بین المللی نیز مانند سلف هیتلری خود، یک نقشه استراتژیک مشخص برای آقایی بر جهان را طرح ریزی کرده است و این نقشه را با سرعتی برابر با رقابت افسار گسیخته اش با ابرقدرت آمریکا، پیگیرانه دنبال میکند. در مقاله "استراتژی امپریالیسم روس برای تسلط بر جهان" نقشه سوسیال فاشیستهای روس را توضیح داده ایم.

اما حرکت تهاجمی شوروی در عرصه جهانی، در عین حال مصادف است با بحران اقتصادی در غرب و بویژه در آمریکا. مقاله "انحطاط اقتصاد امپریالیسم آمریکا" بحران اقتصادی این کشور و علل آنرا توضیح میدهد. بحرانی که از سال های ۶۰ آغاز شده و امروز به درجهای از رشد و خامت رسیده است که هفت حاکمه

و بدین ترتیب نخستین گام را بر ساحل آفریقا نهادند تا بر روی این سرزمین یک نظام استعماری برپا دارند.

فرانسوی ها با قرار داد تجارتي در سال ۱۵۴۴ دست اندازی خود را به آفریقا آغاز کردند و سپس در سال های ۱۵۵۹ - ۱۵۶۱ استعمار گران انگلیسی برای "متحد" ساختن آفریقا به دنبال دیگران سرازیر شدند. در جریان این دست اندازیهای غارتگرانه، شکار سیاه پوستان آفریقائی و برقراری نظام برده داری با سرعت بیشتری به جلو می رفت و سرمایه داری اروپا جان می گرفت و آهنگ رشدش سریعتر می شد. تنها بین سال های ۱۴۴۱ - ۱۸۷۱ آفریقا صد میلیون نفر از جمعیت خود را به صورت برده از دست داد.

در مرحله بعدی سرمایه داری،



زنجیرهای استعمار

گسسته میشود

تسخیر قاره آفریقا توسط استعمارگران و امپریالیستها فقط یک بخش از سرگذشت آفریقا را تشکیل می دهد. بخش دیگر آن مقاومت و مبارزه تاریخی و طولانی مردم این قاره بر علیه استعمار، امپریالیسم و سرکرده گرائی می باشد.

توده های مردم آفریقا از همان

آفریقا و ابرقدرتها

باتمام پیروزی هائیکه خلقها و کشورهای آفریقائی بدست آورده اند امپریالیستها، استعمارگران کهنه و نو و سوسیال امپریالیسم شوروی هنوز دست از توطئه های خود برنداشته اند هنوز امید خود را برای حفظ مناطق تحت نفوذ و بدست آوردن مناطق جدید بهیچ وجه از دست نداده اند. امپریالیستهای روسی و آمریکائی هنوز برسکسب منافع در آفریقا شدیداً با هم در رقابت اند. با تشدید تعرض جهانی شوروی و خطر نزدیک تر شدن جنگ سوم جهانی، قاره آفریقا بویژه مناطق گرهي آن (شاخ آفریقا و جنوب

بقیه در صفحه ۲

گسترش روابط

رومانی و اکثر کشورهای اروپای شرقی کشورهای هستند که تحت فشار اقتصادی-سیاسی نظامی روسیه قرار دارند و روسیه برای رهایی از بحران ها و نارسایی های اقتصادی داخلی روز بروز فشار بیشتری را با بالا بردن قیمت نفت و گاز و محصولات صنعتی خود و اجرای طرح های اقتصادی مختلف از طریق کومکون بسود خود و... بر روی آنها وارد میکند. از آنجائیکه هرچه فشار و دستگیری بیشتر و بی رحمانه تر باشد پایداری نیز سرسخت تر است. این کشورها مایل به مقاومت در برابر روسیه بوده و میخواهند سیاست دوری هرچه بیشتر از کرملین را در پیش گیرند.

در راس این جریان ضد سلطه طلبی روسیه، رومانی قرار دارد که میخواهد راه مستقلی را که تیتو رفت طی کند. رومانی پس از اشغال چکسلواکی توسط روسیه به مخالفت با سیاست سلطه جویانه روسیه برخاست

و در موارد و مسایل گوناگون این مخالفت ها را نشان داد. از جمله موقعیکه شوروی میخواست بودجه نظامی ورشو را افزایش دهد مخالفت کرد، از شرکت در کنفرانس سران پیمان ورشو امتناع ورزید، تجاوز نظامی روسیه به افغانستان را محکوم نمود و... ویا در موارد اقتصادی که خود شخصا اقدام به فروش کالا های خود و یا بستن قراردادهای مستقیم با کشورهای تولید کننده نفت دست زده است و...

رشد جریان تمایل به استقلال بیشتر بین کشورهای اروپای شرقی و بخصوص در رومانی باعث ناراحتی خیال روسیه شده و هم اکنون رومانی در معرض تهدید و تجاوز روسیه قرار دارد. برقراری چنین روابطی به رومانی کمک میکند که استقلال اقتصادی بیشتری در مقابل روسیه بدست آورد تا در نتیجه بتواند سیاست مستقلی را کسب نماید. ما موافق برقراری و گسترش روابط با رومانی هستیم که در کنار کشورهای جهان سوم علیه سلطه طلبی روسیه مبارزه میکند.



جهان سوم میزند، کارتر، بوژنف میلرزد

۸ سال از شهادت بنیانگذاران سازمان مجاهدین گذشت

قدرتهای روسیه و آمریکا تا پیروزی نهایی ادامه خواهند داد. " هرچه دارید در کفهی جنگ توده های مسلحانه گذاشته و تا احیاء کامل امپریالیسم و صهیونیسم ورژیم سلطنتی ایران بچنگید. " این را حنیف نژاد و سعید محسن در آستانه شهادت به یویندگان راهشان پیام دادند. اینان برآستی شهیدان راه استقلال ایرانند. اینان برآستی از سلسله شهیدان راه سرخ ملت های تحت ستم برای رهایی از یوغ هرگونه سلطه و تجاوزند.

راه این شهدا را بیشک باید تا کسب کامل استقلال میهن، تا نابودی امپریالیسم، سوسیال امپریالیسم و صهیونیسم ادامه دهیم. خون پاک اینان ثمرش استواری بیش از پیش اراده خلق بود، این اراده را باید استوارتر ساخت و بی محابا به نبرد مرگ و زندگی با سلطه گران و اجنبی پرستان برخاست. یادشان جاوید. راهشان باقی

هنوز آفتاب چهارم خرداد از کانه های مشرق سرزده بود که رنگباری از گلوله، ۵ نهال سرخ، ۵ شقایق آتشین را به خاک گرم زمین غمزده ایران درکشید. هنوز خرداد ماه سال ۵۱ بود و هنوز شاه در اوج قدرت بود. قرار بود فردای آن روز نیکسون به دیدار دست آموز خود بیاید

محمد حنیف نژاد، سعید محسن، محمود عسگری زاده، علی اصغر بدیع زادگان و عبدالرسول مشحین فام، پنج تن از بنیان گذاران "سازمان مجاهدین خلق ایران" در سیده دم چهارم خرداد ۵۱ قربانی توطئه های کثیف رژیم محمدرضاشاهی شدند.

این شهدا نمونه عشق به مردم و استقلال میهن و تنفر عمیق از هر نوع وابستگی و گرایش به ابرقدرت های شرق و غرب بودند. بیشک ادامه دهندگان راستین راه آنان نیز هم چون آنان مبارزه تا کسب استقلال کامل میهن از توطئه ها و تجاوزات ابر